

مجله مطالعات حقوق تطبیقی،
دوره ۴، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۲،
صفحات ۶۳ تا ۹۸

رویکردهای جبران خسارت ناشی از خطاهای مدنی مرگ آفرین؛ مطالعه تطبیقی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و ایالات متحده آمریکا

۱. سعید حبیبیا*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران

۲. علیرضا صالحی فر

دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه کاتربری نیوزیلند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۲۴

چکیده

این سؤال که حقوق مسئولیت مدنی چگونه می‌بایست جان انسان‌ها را ارزشگذاری نماید، همواره ذهن اندیشمندان حقوقی را به خود مشغول ساخته است. در پاسخ به این پرسش نظام حقوقی آمریکا به دو شیوه سعی در جبران غرامات وارده به اشخاص دارد: ۱. از طریق حقوق مسئولیت مدنی (Tort law) که مطابق نظر دادگاه، با تأکید بر فردگرایی به صدمه‌دیده غرامت داده می‌شود؛ ۲. از طریق مقررات مدونی که نهادهای تخصصی دارای قدرت قانونگذاری به یاری مطالعات و بررسی‌هایی وضع می‌کنند که بر بازارهای عالم واقع انجام می‌دهند (Regulatory Policy). در نظام حقوقی ما، در سوانح منجر به فوت به همه آسیب‌دیدگان «وارثان آنها» قیمتی مقطوع، معادل نرخ دیه، پرداخت می‌شود. هدف از انجام این پژوهش واکاوی این روش‌ها با اتخاذ رویکردی تطبیقی و بیان پیشنهاداتی مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات کشور ما با بهره‌گیری از تجارب حقوقی آمریکاست.

کلیدواژگان:

ارزش حیات مبتنی بر آمار (VSL)، تمایل به پرداخت (WTP)، حقوق مسئولیت مدنی، دیه، مطالعه تطبیقی، نهادهای مستقل قانونگذاری آمریکا.

مقدمه

در آن دسته از خسارات مادی که به راحتی قابل اندازه‌گیری و سنجش است، میزان غرامت معادل ضرر مادی تعیین خواهد شد؛ بنابراین به فرض کسی که به واسطه خطای دیگری متحمل یکصد میلیون ریال خسارت شده، سزاوار یکصد میلیون ریال غرامت است. ولی همه مشکلات در مواردی است که خطای مدنی تمامیت جسمی یا جانی فردی را نشانه رفته باشد؛ در این جا نظام قضایی چگونه می‌تواند جان انسان‌ها را ارزشگذاری نماید تا در صورت امکان وضعیت به حالت پیش از وقوع خطا بازگردد و حداکثر خسارت جبران شود، در نتیجه به عدالت نزدیک‌تر شویم؟ نظام حقوقی ایالات متحده به دو شیوه سعی در جبران غرامات وارده به اشخاص دارد: ۱. از طریق حقوق مسئولیت مدنی

habiba@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول تلفن تماس: ۰۲۱-۶۶۴۹۷۹۱۲

ناشی از خطا (Tort law) که مطابق نظر دادگاه‌ها و با رعایت حداکثر فردگرایی به صدمه‌دیدگان پرداخت می‌شود،^۲ از طریق مقررات مدونی که نهادهای تخصصی دارای قدرت قانون‌گذاری^۱ (Regulatory Agencies) به یاری مطالعات و پژوهش‌های مستمر بر بازارهای کار و نظرسنجی‌ها وضع می‌کنند و در آن غرامت به شیوه‌ای یکسان تعیین می‌شود. به عبارتی در آمریکا ساختار حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا از این دو بدنه حقوقی تشکیل یافته است (Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, 2004, P. 49). در حقوق ایران نیز که برگرفته از نظام حقوقی اسلام است، لزوم جبران خسارات جانی هرگز مورد تردید واقع نشده و برای جبران لطمات وارده و نیز وجود ضمانت اجرایی برای صیانت از تمامیت جسمانی انسانها، قانون‌گذار میزان مشخصی مال به عنوان دیه تعیین نموده است که باید از طرف شخص خاطی به زیان‌دیده (ولی دم او) پرداخت شود. دیه تأسیس حقوقی است که نمونه‌ای از اختلاط حقوق مدنی و کیفری محسوب می‌شود و تفکیک مسئولیت از لحاظ حقوقی و جزایی در آن لحاظ نشده، لذا از برخی جهات دارای ماهیت مسئولیت کیفری است و از جهتی دیگر طبیعت مسئولیت مدنی و جبران خسارت را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص ۵۶-۵۰). بنابراین در مقام مقایسه می‌توان گفت که نظام پرداخت غرامات جانی در ایران به هیچ یک از دو سیستم موجود در حقوق ایالات متحده شباهت ندارد و فاقد پویایی مشهود در آنها است، زیرا پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی وارد به مصدوم با تعیین شاخص و مبلغ واحد برای همه خسارت‌دیدگان، در تضاد است؛ به عبارتی دیگر در هر مورد می‌بایست خسارت جانی وارده، که به هیچ وجه قابل ارزیابی و اندازه‌گیری با پول نیست، با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه‌ای و موقعیت مصدوم تعیین شود، در حالی که در نظام حقوقی ما، در مواردی که خطا منجر به فوت می‌شود، صرف نظر از موقعیت، سن و درآمد آنها، به همه آسیب‌دیدگان (به عبارتی دقیق‌تر وارثان آنها) قیمتی مقطوع پرداخت می‌شود. بنابراین ما در این مقاله شیوه جبران خسارات ناشی از خطاهای منجر به فوت اشخاص در حقوق مسئولیت مدنی ایالات متحده آمریکا و ایران را در دو گفتار بررسی و مقایسه می‌کنیم:

۱. گفتار اول حقوق مسئولیت مدنی و پرداخت غرامت در آمریکا را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این گفتار ما با دو سیستم ارزیابی صدمات جانی وارده به افراد، یعنی حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا (Tort law) و سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون (Regulatory Policy) و نحوه عملکرد هر یک از آشنا می‌شویم.

۲. در گفتار دوم به بررسی شیوه جبران خسارات و پرداخت غرامت در حقوق ایران

۱. یک نهاد مستقل قانون‌گذار (دارای قدرت قانون‌گذاری) کمیسیون مستقل دولتی است، که به واسطه مصوبه‌ای قانونی ایجاد شده است تا مقرراتی را در رشته‌هایی که مستلزم فعالیت‌ها یا اعمالی خاص در بخش‌های خصوصی است، تدوین و به موقع اجرا بگذارد، به نقل از:

Encyclopedia Britannica Online, Available from : <http://www.britannica.com/EB-checked/topic/496265/regulatory-agency>, Last Accessed: 17 /Jun/ 2011

خواهیم پرداخت و در نهایت پیشنهاداتی را برای تطبیق ضروریات زندگی نوین اجتماعی و اقتصادی امروز با فقه و حقوق ایران مطرح می‌کنیم.

گفتار اول: حقوق مسئولیت مدنی آمریکا و پرداخت غرامات

حقوق ایالات متحده آمریکا در خانواده نظام حقوقی «کامن لا» قرار می‌گیرد که ریشه در تاریخ تسلط انگلیسی‌ها و نظام حقوقی آنان بر مستعمرات سیزده‌گانه^۲ دارد. اما با وجود اشتراکات فراوان نظام کامن لا در این دو کشور، نظیر اشتراک در مبنای اصلی (در هر دو نظام مبنای اصلی حقوق ناشی از مذهب مسیح و سیاست‌های مربوط به حمایت از فرد و آزادی‌های فردی است)، تکیه بر آرا و رویه‌هایی که دادگاهها بین خود مرسوم نموده‌اند و توجه به قواعد انصاف^۳ (کاتوزیان، ۱۳۷۶، صص ۱۱۱-۱۱۰)، آنچه نظام حقوقی آمریکا را منحصر به فرد کرده است، تفکیک بین حقوق دولت فدرال و حقوق دولت‌های ایالتی است که به موجب قانون اساسی این کشور (دهمین لایحه اصلاحی قانون اساسی ایالات متحده^۴)، تمامی ۵۰ ایالت آمریکا دارای حاکمیت مستقل^۵ بوده و از قانون اساسی مستقل^۶، دولت ایالتی مستقل^۷ و دادگاههای ایالتی مستقل^۸ (از جمله دادگاههای عالی ایالتی^۹) برخوردارند؛ بنابراین ساختار جامعه آمریکا به طور کلی شامل سه سطح محلی^{۱۰}، ایالتی^{۱۱} و فدرال^{۱۲} می‌باشد، ساختار حقوقی این کشور نیز به پیروی از آن شامل این سطوح می‌گردد (سید ابراهیمی، ۱۳۷۳، ص ۲). برای مثال، قوانین ایالات متحده در سطح «Local» را قوانین محلی، در سطح «State» را قوانین ایالتی و در سطح «Federal» را قوانین مرکزی می‌نامند.^{۱۳}

به هر حال، این سؤال که نظام قضایی به چه صورتی می‌تواند جان انسان‌ها را ارزش گذاری نماید، همواره در طول تاریخ حقوق انگلیسی-آمریکایی^{۱۴} مطرح بوده و سیر تحولات جالبی

۲. این مستعمره‌ها در قرن شانزدهم و هفدهم بر مبنای اصول سیاسی و حقوقی حاکم بر بریتانیا تأسیس شدند و حتی پس از کسب استقلال نیز به پیروی از نظام حقوقی کامن لا ادامه دادند.

3. Equity
4. Tenth Amendment to the United States Constitution
5. Separate Sovereigns
6. Their Own State Constitutions
7. State Governments
8. State Courts
9. State Supreme Courts
10. Local
11. State
12. Federal

۱۳. همچنین در نتیجه این سطوح، در ایالات متحده وکلا نیز در سه رده تقسیم‌بندی می‌شوند: وکیل عمومی در سطح Local را وکیل عمومی محلی می‌نامند، وکیل عمومی در سطح State را وکیل عمومی ایالتی می‌نامند و وکیل عمومی در سطح Federal را وکیل عمومی مرکزی می‌نامند.

14. Anglo-American Law

را طی نموده است. در نظام حقوقی کامن لا، قربانیان جنایت و خطا و همین طور بستگان آنها نمی‌توانستند خسارات ناشی از فعل زیان‌بار را مطالبه نمایند^{۱۵}؛ در نتیجه دادگاهها با مشکلات ناشی از دشواری محاسبه این خسارات^{۱۶} مواجه نبودند. اما با شروع قرن نوزدهم میلادی در بسیاری از ایالت‌های آمریکا قواعدی وضع شد که امکان مطالبه غرامت را فراهم می‌نمود، پس از این بود که حقوق دانان آمریکایی در صدد برآمدند تا راهی بیابند که این خسارات به نحو مطلوبی جبران شود (Dan B. Dobbs, 1993, 423). لذا به مرور زمان دو سیستم حقوقی برای جبران خسارات ناشی از خطاهای مدنی^{۱۷} در نظام حقوقی ایالات متحده ایجاد گردید؛ یکی سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون^{۱۸} (توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری^{۱۹}) و دیگری سیستم حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از خطا^{۲۰} که دارای قدمت بیشتری است. هر دو این سیستم‌ها با هم حقوق مسئولیت مدنی آمریکا را شکل می‌دهند و هر دو در صدد ارزش‌گذاری دقیق خسارات وارده به انسان هستند (Stephen Breyer et al. 2002, pp. 120-135)، اما این سؤال اساسی در حقوق ایالات متحده مطرح شده که اصولاً چرا باید زندگی انسان‌ها ارزش‌گذاری شود؟ عده‌ای معتقدند از آنجا که حیات بشری به طرز بی‌بدیلی ارزشمند است، نمی‌توان خسارات وارده به جسم یا جان انسان را ارزش‌گذاری نمود و برای این قبیل خسارات ارزشی مادی (معادل پولی)^{۲۱} در نظر گرفت^{۲۲}؛ به عقیده اینها محاسبه مادی ارزش جسم و یا جان یک انسان موجب وهن وی و تخفیف جایگاه رفیع انسانی او خواهد شد. در مقابل اغلب حقوق دانان آمریکایی بر

۱۵. حقوق غرب در گذشته بیشتر به دنبال انتقام‌جویی از افراد خاطی و مجرمان بوده و کمتر به جبران مدنی خسارات توجه داشته است. در انجیل عهد عتیق آمده است: «شما باید جان را در مقابل جان، چشم را در مقابل چشم، دندان را در مقابل دندان، دست را در مقابل دست، پا را در مقابل پا، حریق را با حریق، جراحت را با جراحت و تازیانه را با تازیانه پاسخ دهید»:

“Thou shalt give life for life, eye for eye, tooth for tooth, hand for hand, foot for foot, burning for burning, wound for wound, stripe for stripe.” (Exodus 21:23)

برای مطالعه بیشتر پیرامون پیدایش مسئولیت در حقوق باستان، مراجعه کنید به:

Francesco Parisi, “the Genesis of Liability In Ancient Law”, Published in American Law and Economics Review, Vol. 3, No. 1, Spring 2001, Electronic Copy also Available from the Social Science Research Network at http://ssrn.com/abstract_id=229692, Last Accessed : [7/July/2011]

16. Calculating Damages for Losses

17. Torts

18. Regulatory Policy

19. Regulatory Agencies

20. Tort Law

21. Monetary Valuation

۲۲. برای مثال نگاه کنید به:

(Frank Ackerman and Lisa Heinzerling, “Priceless; on Knowing Price of Everything and the Value of Nothing, the New Press Pub. ISBN-10: 15658485002004)

آن‌اند که «هرچند دغدغه‌های افرادی که در پی تبیین منزلت تمامیت جسمی و جانی بشر هستند، قابل درک است، اما آیا راهکاری مناسب‌تر از تبدیل این قبیل خسارات به معادل مادی آن‌ها وجود دارد؟ و یا اگر قائل به این بشویم که به واسطه مرگ افراد یا آسیب‌های جسمانی وارده به آنها هیچ غرامتی نباید به ایشان پرداخت شود، آیا این کار بیشتر باعث تخفیف جایگاه قربانی نخواهد شد؟» (Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, 2004, P. 11) به هر حال از این مباحث نتیجه گرفته شده است که راهی بهتر از ارزش‌گذاری این خسارات به معادل مادی آنها وجود ندارد. لذا امروزه غالب حقوق دانان و پژوهشگران به جای تمرکز بر این چنین سؤالاتی، تلاش خود را برای یافتن بهترین روش جبران غرامت در حوادث جانی و جسمانی به کار بسته‌اند.

مبحث اول: سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون

همان‌گونه که گفته شد، سیستم پرداخت غرامات مبتنی بر قواعد و مقررات مدون به شیوه‌ی امروزی سابقه‌ای سی ساله در حقوق ایالات متحده دارد و به موجب یک دستور اجرایی^{۲۳} در سال ۱۹۸۱ م به صورت سازمان یافته‌ای در آمده است. یکی از عواملی که باعث شد تا نظام نوین مسئولیت مدنی ایالات متحده به این رویکرد متمایل شود، این است که به لحاظ فقدان معیار اندازه‌گیری دقیق خسارات، تخصیص غرامات ناشی از صدمات جانی در مواردی که به دادگاهها سپرده شده، از ایالتی به ایالت دیگر، از شهری به شهر دیگر و یا حتی از دادگاهی به دادگاه دیگر در یک حوزه قضایی بسیار متفاوت بوده و در برخی موارد ارقامی نجومی را برای جبران این خسارات سبب شده است. همین موضوع موجب بروز مشکلاتی در سیستم حقوقی آمریکا گردیده که از آن به بحران مسئولیت مدنی تعبیر شده است. در این کشور که تعیین مبلغ خسارات جانی و معنوی توسط هیئت منصفه صورت می‌گیرد، در مواردی باعث ایجاد مبالغه نجومی گردیده و همین امر سبب افزایش سرسام‌آور حق بیمه‌ها شده است (Stephen D. Sugarman, 2000, pp. 45-51). به هر حال چنانکه ملاحظه می‌شود، هر چند در این روش، غرامات بر اساس ارقامی یکسان^{۲۴} به قربانیان مختلف پرداخت می‌شود و بدین لحاظ می‌توان تا حدودی آن را با نهادی نظیر دیه در حقوق ما مقایسه نمود، اما باید دانست در روش پرداخت یکسان غرامت به قربانیان خطاهای مدنی، برخلاف نظام مربوط به دیات، تعیین ارزش این خسارات پیوسته بر اساس نیازهای جامعه آمریکا روزآمد شده و ملاک تعیین این غرامات، نظرسنجی‌های عمومی، داده‌های اقتصادی و جامعه‌شناختی می‌باشد؛ برای همین این سیستم همواره پویایی خود را حفظ کرده است. در این روش برای جبران خسارات همواره ارزشی یکسان برای صدمات یکسان در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین

۲۳. Executive Order: در ایالات متحده دستور اجرایی فرامینی است که توسط رئیس جمهور صادر می‌شود و هدف از آنها هدایت یک نهاد اجرایی یا دادن دستوالعمل‌های خاص به آن نهادها و یا سایر مقامات دولتی است.

(See: Black's Law Dictionary, at p. 651, Ninth Edition, West Publication, 2009)

24. Uniform Figures

برای مثال مرگ یک کودک در این سیستم برابر با از دست رفتن جان یک فرد بالغ ارزیابی می‌شود. برخلاف آنچه در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطای مدنی^{۲۵} خواهیم دید، در رویکرد اخیر به دلیل دیدگاه فردگرایانه^{۲۶} این سیستم، اغلب خسارات وارده به بزرگسالان بیش از خسارات وارده به کودکان ارزیابی می‌شود، زیرا روش عینی‌ای که این نظام اتخاذ نموده، این‌گونه است که غرامات وارده ناشی از مرگ قربانی خطا به بستگان و خصوصاً افراد تحت تکفل او را بیشتر از یک کودک که درآمد و خانواده تحت تکفلی ندارد ارزیابی می‌نماید (Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, 2004, P. 3). به هر حال ارقام یکسانی که نظام مبتنی بر قواعد و مقررات مدون ارائه می‌نماید، در واقع منعکس کننده کارهای کارشناسی شده نسبتاً پیچیده، اما جالب توجه حقوق دانان و اقتصاددانان آمریکایی و «تحلیل‌های هزینه-منفعتی»^{۲۷} است که نسبت به خسارات به عمل می‌آید تا غرامات پرداختی تا حد ممکن به معادل مادی (پولی)^{۲۸} آن نزدیک باشد. برای مثال مطابق جدیدترین آمار منتشر شده، سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا (EPA)^{۲۹} که نهاد قانون‌گذاری مستقلی محسوب می‌شود، در سال ۲۰۱۰ م در مواردی که خطا منجر به مرگ شخصی شده، میزان غرامتی معادل ۹,۱ میلیون دلار را تعیین نموده است^{۳۰} و یا سازمان غذا و داروی ایالات متحده (FDA)^{۳۱} این غرامت را در همان سال ۷,۹ میلیون دلار ارزیابی کرده است^{۳۲}. بنابراین می‌بینیم که هر نهاد مستقل قانون‌گذاری مبلغی یکسان و متحدالشکل برای خسارات یکسان و یک‌شکل در نظر گرفته است؛ هرچند ارقام ارائه شده از سوی یک نهاد در مقایسه با نهاد دیگر ممکن است متفاوت باشد.

25. Tort Law

26. Individuated Approach

27. Cost-Benefit Analysis

28. Monetary Equivalent

29. the Environmental Protection Agency (EPA)

۳۰. روزنامه نیویورک تایمز با درج مقاله‌ای با عنوان «هر چه نهادهای مستقل قانون‌گذاری آمریکا ارزش حیات انسان را بیشتر تعیین کنند، بازارهای تجارت متشنج‌تر می‌شود»، ضمن اعلام این ارقام پیش بینی نموده است که تا پایان ماه دسامبر سال ۲۰۱۱ EPA این مبلغ را تا حدود پنجاه درصد دیگر نیز افزایش خواهد داد. برای مطالعه بیشتر به مقاله «More Value on a Life, Businesses Fret» As U.S. Agencies Put دسترسی به نسخه الکترونیکی آن به آدرس اینترنتی زیر مراجعه نمایید:

As U.S. Agencies Put More Value on a Life, Businesses Fret [http://www.](http://www.NYtimes.com/2011/02/17/business/economy/17regulation.html?_r=2)

NYtimes.com/2011/02/17/business/economy/17regulation.html?_r=2, Last Accessed; 4/July/2011

این رقم مثلاً برای سال ۲۰۰۱ م معادل ۶ میلیون دلار تعیین شده بود، رجوع کنید به:

Fed. Reg. at 7012 (2001)

31. the Food and Drug Administration (FDA)

۳۲. این رقم برای سال ۲۰۰۸ م معادل ۵ میلیون دلار تعیین شده بود. به نقل از روزنامه نیویورک تایمز، همان منبع.

در خصوص کارکرد سیاستی که سیستم پرداخت غرامات مبتنی بر قواعد و مقررات مدون در پیش گرفته است، سؤالات بسیاری به ذهن می‌رسد؛ مثلاً اگر واقعاً هدف قانون‌گذار در این رویکرد، تامین و تضمین حدی مطلوب از غرامات باشد، آیا صحیح است که همواره ارزشی یکسان برای خسارات وارده به افراد قائل شویم؟ و یا اصولاً منشأ تفاوت محاسبه غرامات در این دو سیستم حقوقی در چیست؟ به نظر می‌رسد عمده عامل افتراق این دو رشته حقوق مسئولیت مدنی را باید در طرز نگرش آنها به خسارات جستجو کرد. آنچه باعث شده که نهادهای مستقل قانون‌گذاری تمایل به سیاست یکسان‌سازی در پرداخت غرامات داشته باشند، اما در مقابل دادگاهها خواستار درجه بیشتری از فردگرایی در محاسبه خسارات وارده به افراد باشند، این است که مقررات مدون (توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری) دیدگاهی «پیش از وقوع حادثه‌ای یا Ex Ante»^{۳۳} را مد نظر قرار داده، در حالی که در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، دادگاهها رویکردی «پس از وقوع حادثه‌ای یا Ex Post» را اتخاذ نموده‌اند. هریک از ایالت‌های آمریکا حسب مقتضیات تاریخی و فرهنگی یکی از این دو سیستم و یا هر دوی آنها را به صورت تلفیقی اعمال می‌نماید. (Dan B. Dobbs, 1993, 421-445)

بند اول:

روش پرداخت غرامات ناشی از خطای مدنی در سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون از سال ۱۹۸۱ م به بعد، نهادهای مستقل قانون‌گذاری به صورت سازمان یافته‌تری در عرصه حقوق مسئولیت مدنی و جبران خسارت‌ها شروع به فعالیت نمودند. تا قبل از آن زمان ارقامی که این نهادها در تعیین ارزش حیات انسان‌ها تهیه و به موقع اجرا می‌گذاشتند، برای مدت زمان مدیدی بسیار متنوع و متفاوت بود، ولی امروزه این نهادها تقریباً مبلغی در حدود ۷،۵ تا ۹ میلیون دلار را به عنوان غرامت ناشی از مرگها خطایی تعیین می‌کنند.^{۳۴} اکنون این سوال مطرح می‌شود که این مبلغ بر چه پایه و اساسی در حقوق ایالات متحده تعیین می‌شود؟ آیا آسیب‌های وارده به تمامیت جانی و جسمی افراد در حقوق آمریکا نیز در حال حاضر به مانند حقوق ما براساس سنت‌های قدیمی امضایی تعیین می‌شوند و ارتباطی به آنچه در بازار عالم واقع^{۳۵} در جریان است، ندارند؟ پاسخ منفی است. ارقام اعلامی از سوی نهادهای مستقل قانون‌گذاری کاملاً بسته به داده‌های بازار دنیای واقع، نظرسنجی‌های عمومی و تحقیقات گسترده اقتصادی و اجتماعی می‌باشد

۳۳. در نگرش پیش از وقوع حادثه‌ای یا Ex Ante که توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری (Regulatory Agencies) اتخاذ شده است، قانون‌گذار قبل از اینکه حادثه‌ای محقق شود، به پیش بینی و وضع قواعدی پیرامون آن می‌پردازد، اما در نگرش پس از وقوع حادثه‌ای یا Ex Post، تصمیم گیرندگان قضایی (قضات دادگاهها و اعضای هیئت منصفه) پس از وقوع حادثه به بررسی و ارزیابی خسارات وارده به اشخاص می‌پردازند، به همین دلیل است که در مورد اخیر امکان حداکثر فردگرایی توسط دادگاهها میسر است.

۳۴. روزنامه نیویورک تایمز، همان منبع.

(W. Kip Viscusi, 2004, pp. 29, 33) و به ویژه بدون اتکا به داده‌ها و یافته‌های جدید علم اقتصاد محاسبه این گونه زیان‌ها ممکن نیست، برای همین است که علم حقوق در ایالات متحده آمریکا، برخلاف آنچه در کشور ما دیده می‌شود، به شدت با دانش اقتصاد و آمار گره خورده است. در حقیقت حقوق مستقل از یافته‌های اقتصادی، آماری و غیره قادر به تعیین غرامت و جبران خسارات وارده به اشخاص نیست. ارزش‌گذاری‌های انجام شده برای خسارات وارده به افراد عمدتاً محصول مطالعات صورت گرفته بر خطرات واقعی در محیط‌های کاری^{۳۶} مثل میدان‌های ورزشی و کارگاه‌های صنعتی می‌باشد (W. Kip Viscusi, 2004, pp. 24-25).

به دیگر سخن در این روش تلاش شده است تا بررسی شود افراد در مواردی که احتمال خطر مرگ و میر وجود دارد^{۳۷} در ازای دریافت چه مبلغی مایلند^{۳۸} تا در آن فعالیت یا حرفه خاص شرکت جویند. عموماً احتمال خطرات مرگ و میر مرتبط با سوانح حرفه‌ای و شغلی در محدوده ۰,۰۰۰ / ۱۰ تا (یک ده هزارم) تا ۰,۰۰۰ / ۱۰۰ (یک صد هزارم) قرار می‌گیرند (W. Kip Viscusi, 2004, pp. 29). روش محاسبه میزان غرامات ناشی از مرگ، با توجه به این داده‌ها نتیجه یک محاسبه ریاضی ساده^{۳۹} خواهد بود.

فرض کنیم طبق داده‌های آماری خطر مرگ ناشی از خطاهای مدنی در ورزش بسکتبال در ایالات متحده ۰,۰۰۰ / ۱۰ (یک ده هزارم) اعلام شده باشد؛ یعنی از هر ده‌هزار نفری که در ورزش بسکتبال مشارکت فعال می‌نمایند، احتمال مرگ یک تن از آنها وجود دارد. حال فرض کنید بسکتبالیست‌ها با علم به این موضوع اعلام می‌دارند که به طور متوسط در ازای دریافت ۶۰۰ دلار حاضرند این خطر را نادیده انگاشته، در این ورزش مشارکت نمایند. باز هم تصور کنید ورزشکار فرضی ما در این ورزش شرکت کند و از قضا حادثه مرگ هم برای او اتفاق بیفتد، در این جا ارزش جان او ۶ میلیون دلار خواهد بود، زیرا بر اساس یک تناسب ریاضی، چون خطر در حالت ده‌هزار برابری ظاهر شده است، مبلغ پرداختی هم باید ده‌هزار برابر بشود تا تعادلی منصفانه برقرار گردد (James Hammitt and Jin-tau Lie, 2004, p. 73) یعنی:

$0.0001 \times \$6,000,000 = 10,000 \times \600 ؛ به عبارتی دیگر طبق معادله ذیل عدد 0.0001 نماد خطر می‌باشد، یعنی از هر ده هزار نفری که در ورزش بسکتبال شرکت می‌نمایند، احتمال مرگ یک نفر وجود دارد پس اینجا خطر 0.0001 است. حال فرض می‌کنیم این عدد ده هزار برابر (یعنی یک) شده و یک نفر کشته شده است؛ نتیجه این خواهد بود که ۶۰۰ دلار هم باید ده هزار برابر بشود تا معادله کامل گردد:

$$X = \$ 6,000,000 \qquad \begin{array}{cc} 1 & 0.0001 \\ X & 600\$ \end{array}$$

36. Actual Workplace Risks

37. Mortality Hazards

38. Willingness to Pay (WTP)

39. Product of Simple Arithmetic Calculation

در این مثال، مبلغی که شخص مایل است دریافت دارد تا در خطر مشارکت نماید و یا حاضر است بپردازد تا از خطر مرگ اجتناب ورزد، اصطلاحاً «تمایل به پرداخت یا WTP» نامیده می‌شود^{۴۰}؛ بنابراین در اینجا میزان تمایل به پرداخت ۶۰۰ دلار می‌باشد. همچنین میزان احتمال خطر مبتنی بر داده‌های آماری را «خطر آماری»^{۴۱} می‌نامند. به محصولی که این معادله به دست می‌دهد (یعنی حاصل کسری میزان تمایل به پرداخت بر خطر آماری)، در اصطلاح «ارزش حیات آماری یا ارزش حیات مبتنی بر آمار VSL»^{۴۲} می‌گویند. این اصطلاحات در حقوق مسئولیت مدنی امروزه آمریکا اصطلاحاتی بسیار رایج و متداول می‌باشد، هر چند تاکنون در تألیفات و آثار ترجمه‌ای حقوق‌دانان ایرانی بنا به دلایل مختلف به آنها توجهی نشده است، لذا این اصطلاحات با وجود کثرت استعمال در حقوق آمریکا در میان حقوق‌دانان ایرانی ناشناخته مانده است. برای همین ما بیشتر عملکرد و نقش این شاخص‌ها و اصطلاحات را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

در مثالی دیگر فرض نمایید کارخانه تولیدات تجهیزات ورزشی، تجهیزاتی معیوب و خطرناک روانه بازار ساخته است. میزان خطر آماری ۱/۵۰,۰۰۰ (یک بر پنجاه هزار نفر) است؛ یعنی از هر پنجاه هزار نفری که از این محصولات استفاده می‌کنند، احتمال مرگ یک تن وجود دارد. این خطر در زمره خطراتی است که منجر به ایراد صدمات به سلامت و رفاه می‌گردد^{۴۳}، لذا قابل مطالبه است. ما در اینجا این خطر را Q فرض می‌کنیم. اگر قربانیان مایل به پرداخت مبلغی (WTP) معادل ۱۰۰۰ دلار برای اجتناب از آن خطر باشند که ما این مبلغ را R می‌نامیم، با این حساب مبلغی که باید به عنوان غرامت به شخص پرداخته شود، برابر خواهد بود با R/Q یعنی ۱۰۰۰ دلار بر ۱/۵۰,۰۰۰. بنابراین در اینجا شرکت سازنده در صورت وقوع سانحه مرگ آفرین ملزم به پرداخت مبلغی معادل ارزش حیات آماری (VSL) قربانی، یعنی ۵۰ میلیون دلار خواهد بود؛ به عبارتی در اینجا ارزش حیات آماری طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$\text{VSL (ارزش حیات آماری)} = \frac{R \text{ (میزان تمایل به پرداخت)}}{Q \text{ (میزان خطر آماری)}}$$

$$R = \text{WTP}$$

$$Q = \text{Statistical Risk}$$

$$\text{VSL} = \text{Value of Statistical Life}$$

اگرچه نهادهای مختلف غالباً در ارزش‌گذاری خطرات آماری مرگ آفرین تقریباً به

40. See e.g. :http://en.wikipedia.org/wiki/Willingness_to_pay)

41. Statistical Risks

42. the Value of Statistical Life (VSL)

43. Welfare Loss

مبلغی مشابه و نزدیک به هم (حدود ۷,۵ تا ۹ میلیون دلار تا پایان سال ۲۰۱۰ م) دست یافته‌اند و با وجود همه دقت عمل‌ها و مطالعات دقیق، نهادهای مختلف ارقامی متفاوت را ارائه می‌نمایند؛ به طوری که دیده شده است گاهی این نهادها مبلغ ۷۰۰ هزار دلار و در مواردی مبلغ ۱۶,۳ میلیون دلار را نیز اعلام نموده‌اند.^{۴۴} مثلاً در سال ۲۰۰۲ م اداره مدیریت و بودجه ایالات متحده (OMB)^{۴۵} ارقام متفاوتی بین ۱ میلیون دلار تا ۱۰ میلیون دلار را در خصوص این خطرات اعلام داشته است^{۴۶} و در همان سال نهاد مستقل دیگری (سازمان حفاظت محیط زیست) رقمی حدود ۶,۱ میلیون دلار را برآورد کرده است. (Richard W. Parker, 2003, pp. 1445, 1485-86). این پراکندگی در تعیین ارزش حیات آماری انسانها در مواردی که به مرگ اشخاص می‌انجامد، سؤال‌ی ابتدایی و در عین حال مهم را به ذهن می‌رساند که عامل این اختلافات چه می‌تواند باشد؟ در حالی که در همه موارد نتیجه نهایی یک چیز است؛ مرگ قربانی خطای مدنی.

این تمایز و تنوع در تعیین ارزش حیات آماری انسان‌ها توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری علتی جالب توجه دارد که آن را نیز باید با بررسی متن جامعه آمریکا کشف نمود. گفتیم که نهادهای مستقل قانون‌گذار برای تعیین غرامات، به بازار عالم واقع که در حقیقت منعکس‌کننده داده‌های عموم جامعه می‌باشد، توجه دارند. از طرفی واقعیت این است که مردم برای خطرات آماری یکسان که نتیجه واحدی دارند (مرگ)، ارزش واحدی قائل نیستند^{۴۷}؛ به عنوان مثال تحقیقات انجام شده بر جامعه آمریکا حاکی از آن است که در مواردی که عامل مرگ سرطان ریه^{۴۸}، سقوط هواپیما^{۴۹}، سوانح رانندگی^{۵۰} و یا بیماری آلزایمر^{۵۱} باشد، ارزش حیات آماری (VSL) به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد؛ یعنی فرضاً در مواردی که خطر مرگ ۰,۰۰۰ / ۱ باشد، میزان تمایل به پرداخت مردم (WTP آنها) در مواردی این‌چنینی بسیار بیشتر از سایر خطرات مرگ‌آفرین مانند سکنه‌های قلبی

44. EPA, "Guidelines for preparing Economic Analyses" at p. 98 (2000) Electronic Copy is also Available From:

yosemite.epa.gov/ee/epa/eed.nsf/pages/Guidelines.html/Guidelines.pdf

45. Office of Management and Budget (OMB)

46. EPA, "Guidelines for preparing Economic Analyses" at p. 99 (2000)

47. People will almost certainly show a large difference in the dollar value of statistically identical mortality risks;

(See: Richard L. Revesz, "Environmental Regulation, Cost-Benefit Analysis, and Discounting of Human Lives", 99 Columbia L. Rev. 941, 962-74 (1999) Electronic Copy also Available From Social Science Research Network Electronic Paper Collection at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=138515, Last Accessed: 15/June/2011)

48. Lung Cancer

49. Plane Crashes

50. Car Crashes

51. Alzheimer's Disease

و با همان میزان احتمال خطر مرگ می‌باشد. در نتیجه ارزش حیات آماری (VSL) به پیروی از افزایش میزان تمایل به پرداخت (WTP)، در این قبیل موارد، افزایش خواهد یافت و این مسئله عامل اصلی پراکندگی آرا و اختلاف در ارقام اعلامی از سوی نهادها را سبب می‌گردد. از طرفی دیگر از آنجا که نظام ارزیابی غرامات در سیستم مبتنی به قواعد و مقررات مدون، نظامی بازار محور است؛ یعنی با بررسی داده‌های هر بازار خاص به تعیین غرامت پرداخته می‌شود، نباید از نهادهای مستقل قانون‌گذار توقع این را داشت که همواره به ارقام یکسان و واحدی دست یابند، زیرا «اقتصاد آمریکایی، شامل گستره عظیمی از مشاغل و صنایع مختلف است؛ بنابراین نباید انتظار داشت که همه آنها همواره یک ارزش حیات آماری (VSL) یک‌شکل و همسان را ارائه دهند»^{۵۲}. از این رو دیده می‌شود که جامعه آمریکا همواره در مواجهه با خطرهای هولناک^{۵۳} دچار نگرانی اجتماعی^{۵۴} بیشتری شده، که همین امر باعث می‌گردد میزان تمایل به پرداخت (WTP) در میان آنها افزایش یابد. در نتیجه با افزایش میزان تمایل به پرداخت (WTP)، میزان ارزش حیات آماری (VSL) که در ارتباط مستقیم با میزان تمایل به پرداخت است نیز بالا می‌رود و می‌توان این رابطه را این‌گونه ترسیم نمود:

نگرانی اجتماعی \leq (WTP) میزان تمایل به پرداخت \leq (VSL) ارزش حیات آماری بالاتر
بیشتر \Rightarrow خطر (خطای) هولناک تر

همین مسئله است که در نهایت به بروز اختلاف در ارقام مربوط به ارزش حیات آماری (VSL) اعلامی از سوی نهادها منجر می‌شود.

بند دوم: شیوه ارزیابی خسارات وارده به بستگان قربانی

در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که به شیوه ارزیابی خسارات وارده به بستگان قربانیان خطاهای مدنی و مسائل مرتبط با آن اشاره‌ای شود. این مبحث به دو لحاظ حائز اهمیت خاصی است؛ اولاً، به دلیل جایگاه ویژه‌ای که پرداخت غرامت به بستگان قربانیان در تحقق هدف اصلی این نهادها (یعنی تلاش برای جبران حداکثری خسارت) دارد، و ثانیاً، به لحاظ

52. The American economy contains a wide range of occupation and industries and a uniform VSL should not be expected to emerge from each of them.

(See: W. Kip Viscusi "the Value of Life: Estimates with Risks by Occupation and Industry", 42 Ec. Inquiry 29, 39-40 (2004) Electronic Copy also Available From The Harvard John M. Olin Discussion Paper Series at:

http://www.law.harvard.edu/programs/olin_center/papers/pdf/422.pdf , Last Accessed: 29/April/2011)

53. Dread Risks

54. Social Concern

اینکه در ارزیابی این خسارات روش‌های بسیار نوین و دقیقی در حقوق ایالات متحده در حال استفاده می‌باشد که برای ما نیز آموزنده و قابل تأمل است.

خطایی که باعث مرگ نان‌آور خانواده^{۵۵} می‌شود، به دو طریق به بستگان قربانی زیان می‌رساند؛ اول اینکه بستگان قربانی با مرگ وی متحمل احساس غم، اندوه و فشارهای روانی^{۵۶} می‌شوند، و دوم اینکه بستگان قربانی به واسطه مرگ وی از حمایت‌های حامی خود محروم می‌شوند^{۵۷}، کسی که در حقیقت منبع درآمدی برای آنها محسوب می‌شد. این دو نوع خسارت تبعات متفاوتی را در پی خواهد داشت؛ بنابراین به‌طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) نحوه محاسبه غم و اندوه وارده به بستگان قربانی

به دنبال مرگ هر انسانی، غالباً بستگان آنها به ویژه همسر و فرزندان وی دچار احساس غصه و اندوه می‌شوند، که منصفانه نیست جبران نشده باقی بماند. غصه و اندوه در نظام حقوقی ایالات متحده جزء ضررهای وارده به رفاه و سلامت^{۵۸} محسوب شده، لذا قابل مطالبه است. در نتیجه فرد خاطی^{۵۹} ملزم می‌شود تا این خسارات را نیز مانند سایر خسارات مرسوم^{۶۰} جبران نماید. اگرچه این غصه و اندوه توسط بسیاری غیر از بستگان، نظیر دوستان و آشنایان قربانی نیز احساس خواهد شد و غصه و اندوه این افراد هم جزء ضررهای وارده به رفاه و سلامت به شمار می‌آید، اما این خسارات مورد توجه قرار نمی‌گیرند. مهم‌ترین دلیل این عدم اعتنا، دشواری معادل‌سازی این گونه خسارات به شکل مادی آنها^{۶۱} است. هرچند در خصوص بستگان (همسر و فرزندان قربانی) نیز همین مشکل وجود دارد، اما حقوق دانان به هر شکل به این گونه خسارات توجه نشان داده‌اند. اینک سؤال این است که چگونه می‌توان میزان تمایل به پرداخت (WTP) را در این قبیل موارد برای غم و اندوه تعیین نمود؟^{۶۲}

در واقع دستیابی به پرداخت (WTP) مناسب، مستلزم ارائه پاسخی مناسب به این سؤال است که «افراد در ازای دریافت چه مبلغی حاضر می‌شوند تا اگر شخصی که آنها دوستش دارند، بمیرد برای مرگ وی غصه نخورند؟» بیشتر مردم نمی‌توانند به این سؤال پاسخ دهند و یا برای آنها بسیار دشوار خواهد بود که بخواهند اندوه و غصه ناشی از مرگ

55. Breadwinner

56. Grief and Emotional Distress

57. Deprivation of Support

58. Welfare Loss

59. Tortfeasor

60. Conventional Losses

61. Monetizing

۶۲. چنانکه در مباحث قبلی گفته شد، برای محاسبه گرامات آماری (VSL) باید ابتدا میزان تمایل به پرداخت (WTP) را به دست آوریم.

عزیزانشان را به معادل مادی آن تبدیل نمایند. عده‌ای پیشنهاد کرده‌اند که برای دستیابی به میزان تمایل به پرداخت (WTP) دقیق‌تر، بهتر است سؤال را به نحو دیگری مطرح کنیم؛ مثلاً از مردم پرسیده شود برای اینکه همسران فرضاً در معرض خطر $50,000/1$ نباشد (بسته به میزان آماری همان خطر خاصی که باعث ورود خسارت شده است)، چه مبلغی حاضرید بپردازید؟ اما در خصوص نتایج ارزیابی‌های این‌چنینی عده‌ای از حقوق‌دانان آمریکایی ابراز تردید کرده‌اند و معتقدند که در قابلیت اعتماد این داده‌ها برای بهره‌برداری‌های قضایی جای تردید و تأمل وجود دارد (Richard B. Stewart, 1995, pp. 219, 234-37). جدیدترین راهکاری که در خصوص نحوه محاسبه گرامات ناشی از غم و اندوه وارده به بستگان قربانی در ایالات متحده مطرح شده، روش یافتن «جایگزین»^{۶۳} مناسب برای این گونه احساسات (غصه و اندوه) است (Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, 2004, P. 25). این روش که روشی نوین ولی بسیار دقیق بوده و هنوز مراحل آغازین خود را سپری می‌نماید، پیشنهاد می‌کند که برای تخمین غم و اندوهی که خانواده قربانی به دلیل مرگ وی متحمل می‌شوند می‌بایست:

اولاً، معادلی که شناخت و محاسبه آن ساده‌تر باشد را یافته و بر پایه آن خسارات وارده به قربانی را ارزیابی نماییم. به عبارتی دیگر در اینجا گرامات وارده به بستگان به دلیل محرومیت آنها از بهره‌مندی و مصاحبت قربانی ایجاد شده است، پس ما باید «یک ضرر معادل»^{۶۴} برای این بهره‌مندی و مصاحبت از دست رفته پیدا کنیم که محاسبه و ارزیابی آن به مقداری پول، ساده‌تر و قابل اعتمادتر باشد. برای مثال در اینجا ما این خسارات را با تمایل به پرداخت برای اجتناب از یک بیماری یا افسردگی^{۶۵} که محاسبه آن عملی‌تر باشد، معادل فرض می‌کنیم، زیرا افراد تمایل به دریافت (WTP) خود را در این موارد دقیق‌تر می‌توانند اعلام نمایند. سپس آن را به واحدهای سالانه^{۶۶} تبدیل می‌کنیم و مشخص می‌شود که شخص برای تحمل مثلاً افسردگی حاضر است در سال X دلار دریافت نماید.

ثانیاً، پس از اینکه معادل مناسب آن خسارت را یافتیم و مبلغی که فرد برای تحمل این معادل حاضر است به طور سالانه دریافت دارد را مشخص کردیم (X)، اکنون باید متوسط زمانی که غصه و اندوه به طول می‌کشد^{۶۷} را محاسبه نماییم. فرض می‌کنیم که غم و غصه در اینجا Y سال به طول می‌انجامد.

ثالثاً، سپس برای محاسبه خسارات وارده به بستگان بابت تحمل غصه و اندوه، داده‌های بند ۱ و ۲ یعنی X و Y را در هم ضرب می‌کنیم تا میزان این ارزش به دست آید.

63. Proxy

64. An Equivalent Loss

65. WTP to Avoid a Disease or Depression

66. Annual Units = X

67. the Average Length of Time the Grief Persists = Y

$$X*Y = \text{غم و اندوه}$$

$$X = \text{میزان تمایل به پرداخت سالانه}$$

$$Y = \text{متوسط زمانی که غصه و اندوه دوام خواهد داشت}$$

نتایج مطالعات اخیر در ایالات متحده حکایت از آن دارد که سطح شادی و شغف شخصی که ازدواج کرده از همراهی با همسرش، معادل احساس شادی و شغف شخص بیوه‌ای است که سالانه بیش از ۱۰۰,۰۰۰ دلار اضافی (X) دریافت می‌کند. اگر تعداد سال‌هایی را که این فرد بتواند آن اندوه را فراموش یا مجدداً ازدواج نماید (Y) ۵ سال فرض کنیم، در نتیجه خسارات وارده به بستگان (X*Y) بابت تحمل غصه و اندوه ۵۰۰,۰۰۰ دلار خواهد بود (Andrew J. Oswald and David Blanchflower, 2004, pp. 1359-60). به هر حال چنانکه گفته شد، این شیوه محاسبه حیات آماری، روشی بسیار جدید و در مراحل آغازین توسعه و آزمایش است، ولی به لحاظ دقت و سادگی مورد توجه حقوق‌دانان آمریکایی واقع شده است. این رویکرد نسبت به روش‌های دیگر دارای مزیت بیشتری به نظر می‌رسد. برای مثال در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، دادگاهها وظیفه بررسی و محاسبه این گونه غرامات را به هیئت منصفه تفویض نموده و هیچ دستوراتی یا راهنمایی برای چگونگی محاسبه این خسارات به هیئت منصفه ارائه نمی‌کنند؛ بنابراین احتمال ارائه ارقام نامطمئن یا غیر قابل پیش بینی و یا هر دو توسط هیئت منصفه وجود دارد^{۶۸} (Andrew E. Clarck and Andrew J. Oswald, 2002, p. 1139)، ولی در روش جدیدی که ذکر شد، احتمال وجود این مشکلات در محاسبه غرامات منتفی می‌باشد.

ب) نحوه محاسبه خسارات مادی وارده به بستگان قربانی (حمایت از دست رفته)

در ابتدای این بحث اشاره شد، خطایی که باعث مرگ نان‌آور خانواده می‌شود، به دو طریق به بستگان قربانی زیان می‌رساند؛ اول اینکه بستگان قربانی با مرگ وی دچار احساس غم، اندوه و فشارهای روانی می‌شوند که شیوه محاسبه آن توضیح داده شد، و دوم اینکه بستگان قربانی را از حمایت‌های حامی خود محروم می‌کند که در اینجا به آن خواهیم پرداخت.

با مرگ قربانی خطای مدنی، بستگان او از میزانی از درآمد وی که صرف آنها می‌شد،

68. Tort law leaves this question to the jury without any guideline, it is likely to produce amounts that are unreliable, unpredictable or both:

See : Andrew E. Clarck and Andrew J. Oswald, "A Simple Statistical Method For Measuring How Life Events Affect Happiness", 31 Intern'l J. of Epidemiology at p. 1139 (2002), Electronic Copy also Available From Oxford International Journal of Epidemiology: <http://ije.oxfordjournals.org/content/31/6/1139.full>, Last Accessed: 3/July/2011

محروم می‌گردند. فرض کنید یک خانواده متشکل از دو شخص الف و ب باشد؛ الف نان‌آور خانواده است^{۶۹} و ب به امور خانه رسیدگی می‌کند^{۷۰} و الف درآمد سالانه‌ای معادل ۵۰,۰۰۰ دلار دارد. ناگهان الف بر اثر خطایی که بر او انجام می‌شود، می‌میرد. چه مقدار غرامت می‌بایست به ب پرداخت شود؟ پاسخ ۵۰,۰۰۰ دلار در سال نیست! بلکه در اینجا پاسخ مناسب را تنها با بررسی «صرفه جویی به مقیاس»^{۷۱} ناشی از زندگی دو نفره این دو شخص است که می‌توان به دست آورد؛ زیرا هنگامی که دو نفر باهم زندگی می‌کنند، بسیاری از هزینه‌های آنان سرشکن شده و در نتیجه سود بیشتری را نسبت به زمانی که هر یک از آنها به صورت تک خانوار^{۷۲} زندگی می‌کنند، تحصیل خواهند نمود. برای مثال هزینه یک آشپزخانه مشترک نسبت به دو آشپزخانه جداگانه کمتر خواهد بود و به همین ترتیب سایر هزینه‌های آنها در اثر مزیت مقیاس کاهش خواهد یافت. بنابراین اگر فرض کنیم که مجموع هزینه‌های سالانه زندگی جداگانه افراد رقمی معادل C باشد، زمانی که آنها یک خانواده دو نفره را تشکیل می‌دهند، هزینه سالانه آنها به دلیل صرفه جویی به مقیاس ناشی از زندگی دو نفره به C کاهش خواهد یافت. در نتیجه هزینه مالی سالانه که در اثر مرگ یکی از این دو به دیگری تحمیل می‌شود، باید طبق رابطه زیر پرداخت نمود (Karen C. Holden and Pamela J. Smock, 1991, p.51).

$$\frac{1}{2}(c-c') = \text{غرامت سالانه}$$

با این حساب اگر مجموع هزینه‌های سالانه الف و ب را زمانی که به صورت جداگانه زندگی می‌کنند، ۴۰,۰۰۰ دلار فرض کنیم ($C = \$40,000$) و در نظر بگیریم پس از اینکه این دو نفر یک خانواده مشترک را تشکیل دادند، هزینه‌های مشترک آنها به ۳۰,۰۰۰ دلار در سال کاهش پیدا نماید ($C' = \$30,000$)، خسارت وارده به ب در اثر مرگ الف رقمی معادل ۵,۰۰۰ دلار در سال خواهد بود، و نه معادل درآمدی که الف داشته است (۵۰,۰۰۰ دلار)، زیرا:

$$\frac{1}{2}(c-c') = \frac{1}{2}(\$40,000 - \$30,000) = \$5,000$$

اگر به طور متوسط برای هر شخص بازمانده X سال طول بکشد که دوباره بتواند یک

69. A (الف) is the Breadwinner.

70. B (ب) takes care of the House.

71. Economies of Scale؛ صرفه‌جویی به مقیاس یا مزیت مقیاس در اقتصاد خرد (Microeconom-ics)، در اصطلاح به کسب مزیت کاهش هزینه‌ها (Cost Advantage) در اثر افزایش حجم تولید، کسب تخفیف در خرید به دلیل حجم بالای خرید، کسب منابع مالی بیشتر، سرشکن شدن هزینه‌ها بر تعداد بیشتری از افراد و ... اطلاق می‌شود. در اینجا منظور کاهش و سرشکن شدن هزینه‌ها به دلیل زندگی دو نفره الف و ب در مقایسه با زندگی جداگانه هر یک از آنهاست.

(See: http://en.wikipedia.org/wiki/Economic_of_Scale/ last accessed: 2/July/2011)

72. One-Person Household

خانواده جدید را تشکیل دهد، غرامات ناشی از مرگ دیگری به روش زیر باید محاسبه و پرداخت شود:

$$\frac{1}{2} X (c-c') = \text{مجموع غرامت}$$

در نتیجه، در همین مثال اگر ۵ سال طول بکشد تا ب بتواند مجدداً خانواده‌ای را تشکیل دهد، خسارت ناشی از فقدان حمایت الف عبارت خواهد بود از ۲۵,۰۰۰ دلار، زیرا:

$$X (c-c') = \frac{1}{2} 5 (\$ 40,000 - \$ 30,000) = \$ 25,000$$

بنابراین می‌بینیم که امروزه نهادهای مستقل قانون‌گذاری زیان‌های وارده به بستگان به لحاظ از دست دادن حمایت قربانی را عموماً تابعی از «صرفه جویی به مقیاس از دست رفته خانواده»^{۷۳}، تا هنگام تشکیل یک خانواده دو نفره جدید^{۷۴} محاسبه و تعیین می‌نمایند (Gray S. Becker, 1991, pp. 30-53).

بند سوم: نحوه ارزیابی غرامت‌های ناشی از مرگ کودکان

به طوری که در مقدمه این فصل نیز اشاره شد، حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا به دلیل تمرکز سنتی‌اش بر روی «خسارات ناشی از درآمدهای از دست رفته قربانی»^{۷۵} مبلغ کمتری را به عنوان غرامات ناشی از مرگ کودکان در مقایسه با مرگ بزرگسالان که عموماً دارای درآمد هستند، تعیین می‌کند، زیرا کودکان درآمدی نداشته و به دیگران وابسته‌اند. اما در حقوق مبتنی بر قواعد و مقررات مدون، نهادهای مستقل قانون‌گذاری در تعیین ارزش حیات آماری کودکان^{۷۶} به این قبیل مسائل توجهی نداشته و ارزش حیات آماری آنان را طبق شیوه‌ای که برای بزرگسالان استفاده می‌نمایند، محاسبه و ارزیابی می‌کنند. نهادهای مستقل قانون‌گذاری به منظور تعیین ارزش حیات آماری کودکان به قضاوت‌های والدین کودکان^{۷۷} و نیز بازار عالم واقع توجه دارند (Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, 2004, P. 30). بر اساس تحقیقی که در ایالات متحده انجام گردید، سعی شد تا از طریق بررسی «بازار کلاه ایمنی دوچرخه سواری کودکان»^{۷۸} این رقم استخراج شود. کلاه ایمنی دوچرخه‌سواری احتمال مرگ را تا حدود ۱۰۰,۰۰۰/۴ نفر در هر سال در رده سنی کودکان ۵ تا ۹ سال و تا حدود ۱۰۰,۰۰۰/۶ در رده سنی کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال کاهش می‌دهد. در سال ۱۹۹۷ م که این مطالعه شروع شد، هزینه خرید کلاه ایمنی دوچرخه‌سواری حدود ۶,۵۱ دلار بود. با استفاده از این داده‌ها مشخص شد که والدین به طور متوسط یک ارزش حیات آماری (VSL) برابر با ۲,۷ میلیون دلار را برای کودکان رده سنی بین ۵ تا ۹ سال و یک ارزش حیات آماری (VSL) برابر با ۲,۶

73. The Lost Household Economies of Scale

74. a New Two-Person Household

75. the Victim's Lost Incomes

76. the VSL of Children

77. Parental Judgments

78. the Market for Bicycle Safety Helmets for Children

میلیون دلار را برای کودکان رده سنی بین ۱۰ تا ۱۴ سال اعلام نموده‌اند. در حالی که ارزش حیات آماری (VSL) بزرگسالانی که خودشان کلاه می‌خریدند^{۷۹}، رقمی معادل ۴ میلیون دلار برآورد گردید (Robin R. Jenkins, et al. 2001, p. 397,404). ایرادی که می‌توان به این شیوه ارزیابی نهادهای مستقل وارد ساخت این است که در این قبیل روش‌ها، به موضوع غرامت تنها از منظر والدین نگریسته می‌شود و به دیدگاه‌ها و نظریات خود بچه‌ها (در تعیین میزان تمایل به پرداخت یا WTP)، هیچ‌گونه توجهی نمی‌شود. اما از طرف دیگر توجه به قضاوت‌های کودکان هم در این خصوص بدین سبب که چندان قابل اعتماد به نظر نمی‌رسند، خالی از اشکال نمی‌باشد.

پس چاره چیست و این خسارات را چگونه می‌توان دقیق‌تر محاسبه نمود؟ حقوق‌دانان آمریکایی در پاسخ به این سؤال غالباً دو رویکرد را پیشنهاد می‌دهند. عده‌ای معتقدند رویه فعلی بهترین گزینه پیش رو است و می‌بایست همان شیوه و روش متعارفی که برای تعیین ارزش حیات آماری (VSL) بزرگسالان استفاده می‌شود^{۸۰} برای کودکان نیز اجرا گردد. عده‌ای دیگر استفاده از معیار «ارزش حیات آماری سالانه یا VSLY»^{۸۱} را پیشنهاد کرده‌اند. طبق این روش می‌بایست در ابتدا ارزش حیات آماری (VSL) یک فرد بزرگسال به واحدهای سالانه تبدیل شود و سپس ارزش به‌دست آمده هر سال را در تعداد سال‌های متوقع عمر^{۸۲} آن کودک ضرب کرد. این روش در ابتدا در سال ۱۹۷۶ م توسط دو حقوق‌دان آمریکایی (زکهاوزر، و شفرد)^{۸۳} مطرح گردید و سپس توسط دیگر حقوق‌دانان بسط و گسترش یافت. (Cass R. Sunstein, 2004, p. 205) البته حقوق‌دانان راهکارهای دیگری هم مطرح کردند که در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد. در اینجا تنها به ذکر دو مورد اصلی اکتفا می‌شود.^{۸۴}

بند چهارم: شیوه ارزیابی غرامت‌های وارده به جامعه^{۸۵}

با مطالعه در حقوق ایالات متحده گاهی دیده می‌شود که با وجود تمام این دقت عمل‌ها

79. the Adults who bought helmets for themselves

80. Standard Uniform VSL Used for Adults

81. Value of Statistical Life Year

82. the expected number of years of life.

83. Richard Zeckhauser and Donald Shepherd, "Where Now for Saving Lives", 40 Law & Contemporary Problems Journal at p. 5 (1976)

۸۴. برای مثال برخی حقوق‌دانان پرداخت غرامت از طریق تخمین درآمدهای آینده کودک (the Estimation of Child's Future Income) را پیشنهاد کرده‌اند، برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به :

Lloyd Cohen, "Toward an Economic Theory of the Measurement of Damage in a Wrongful Death Action", 34 Emory L.J. at pp. 295, 307 (1985) Electronic Copy also Available From:

<http://heinonline.org/HOL/LandingPage?collection=journals&handle=hein.journals/emlj34&div=18&id=&page=>, Last Accessed: 23/May/2011

85. Loss to Society

در محاسبه غرامت‌ها، هنوز هم حقوق دانان از وضعیت موجود ابراز رضایت نمی‌کنند، بلکه از این هم فراتر رفته و به دنبال جبران هزینه‌هایی هستند که در پی مرگ افراد به جامعه تحمیل می‌گردد؛ ورزشکارانی که به شیوه‌های مختلف باعث درآمد صدها یا هزاران تن از مردم می‌شوند؛ کارگشایانی^{۸۶} که با ایجاد کسب و پیشه‌ای^{۸۷} جدید می‌توانند منبع ارتزاق و موجب اشتغال بسیاری از افراد باشند، افرادی که به امور خیریه^{۸۸} پرداخته و زندگی خویش را وقف خدمات عمومی و عام‌المنفعه نموده‌اند؛ آیا با مرگ ایشان در کنار زیانی که به خانواده و بستگان آنها وارد می‌شود، جامعه متحمل هزینه و خسارت نمی‌شود؟ چرا نباید این هزینه‌ها جبران گردد؟

در اینجا هم مانند سایر موارد گذشته، با مشکلی اساسی در خصوص تبدیل ضرر به ارزش مادی معادل آن (معادل سازی ضرر به پول)^{۸۹} مواجه هستیم. هر چند باید اذعان داشت قائل شدن به عدم تعیین ارزش به لحاظ این مشکل، خود باعث پیچیده‌تر شدن این مشکل خواهد شد، اما در هر صورت در پاسخ به این سوال عده‌ای از حقوق دانان اظهار داشته‌اند؛ اولاً، نفعی که یک شخص می‌تواند به جامعه برساند، در مقایسه با وسعت جامعه^{۹۰} بسیار کمتر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می‌رسد. و ثانیاً، بازار کار به قدری گسترده است که غالباً هزینه جایگزین سازی یک نیروی کار، بسیار ناچیز تمام خواهد شد^{۹۱}. (تذکر این نکته ضروری است که ما در اینجا تنها در حال بررسی خسارات وارده به اجتماع هستیم، نه خسارات وارده به خود شخص یا بستگان وی) و ثالثاً، لزوماً این گونه ضررها نباید با معادل مادی که تأثیر ناچیزی در جبران خسارات وارده به جامعه دارند، جبران شوند، بلکه دولت برای تقلیل این تبعات سوء ابزارهای بسیار بهتری را در اختیار دارد که حتی در زمان‌هایی که به فرض خسارات وارده به لحاظ شدت در درون جامعه آمریکا قابل جبران نمی‌باشد، به طرق مقتضی نظیر «صدور روایدهای موقت برای نیروی کار خارجی»^{۹۲} و یا «تسهیل فرآیند مهاجرت خارجی‌ان به ایالات متحده از طریق کاهش یا حذف موانع فراروی مهاجرت»^{۹۳} می‌تواند این ضررها را جبران سازد. (Ted R. Miller, 1989, p. 87), ولی در عمل دادگاه‌های آمریکا و نهادهای مستقل قانون‌گذاری این کشور این گونه خسارات را مورد توجه

86. Entrepreneurs

87. Business

88. Charity

89. Monetization

90. Size of the Population

91. The labor markets are vast and the cost of replacing a worker who dies will generally be trivial:

(See: Ted R. Miller, «Willingness to Pay Comes of Age: Will the System Survive?». 83 Northwestern U.L. Rev. (1989) At p. 876)

92. Temporary visas for Foreign workers

93. Reduction or Elimination of Barriers against Migration to United States

قرار نمی‌دهند، زیرا نظریه «علت بی واسطه و مستقیم»^{۹۴} مانع از این می‌شود تا اشخاصی که صدمات^{۹۵} وارده به ایشان بعید^{۹۶} تلقی می‌شود، بتوانند علیه فردی که این صدمات را وارد ساخته است، اقامه دعوی نمایند، در حقیقت مطابق این نظریه فرض بر این است که این قبیل خسارات یا جزئی^{۹۷} می‌باشد یا اثبات آنها مشکل^{۹۸} است.

مبحث دوم: سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا

گفته شد که تنها پس از قرن نوزدهم میلادی بود که امکان مطالبه خسارات ناشی از افعال زیان‌بار به تمامیت جسمانی افراد در حقوق ایالات متحده به رسمیت شناخته شد، در واقع پس از آن بود که به تدریج قواعد و قوانینی وضع شد که امکان دریافت غرامت را برای قربانیان خطاهای مدنی و بازماندگان آنها میسر می‌ساخت. بنابراین دادگاههای آمریکا به پیروی از همان قواعد، امروزه این خسارات را به قربانیان پرداخت می‌کنند، اما قواعدی که هر ایالت در این راستا به کار می‌بندد، در هر حوزه قضایی^{۹۹} متفاوت است (Dan B. Dobbs, 1993, 441-45). اما با وجود همه این تمایزات موضوع واحدی در این میان وجود دارد؛ بیشتر دادگاهها خسارات غیرمادی (غیراقتصادی)^{۱۰۰} را نیز در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا مورد حکم قرار می‌دهند، به علاوه «غرامت برای دردها و آلامی که توسط قربانی پیش از مرگ به عنوان نتیجه خطای مدنی که بر وی واقع شده است تحمل می‌شود»^{۱۰۱} و همچنین غراماتی که به عنوان «اندوه و خسارات ناشی از فقدان مصاحبت و همراهی قربانی توسط بستگان یا وارثان وی تحمل می‌شود»^{۱۰۲} نیز قابل مطالبه هستند (David W. Leebron, 1989, p.256). تمامی ایالت‌های آمریکا در حال حاضر خسارات مادی (اقتصادی)^{۱۰۳} را مورد حکم قرار می‌دهند. در آن ایالت‌هایی که معیار «خسارات وارده به بستگان»^{۱۰۴} را اعمال می‌کنند، فرض می‌شود که این غرامتها همه خسارات وارده را پوشش می‌دهند. این غرامتها حمایت‌هایی را که قربانی در صورت ادامه حیات خویش به خانواده‌اش ارائه می‌نماید^{۱۰۵} فراهم می‌آورد (این حمایت‌ها می‌تواند

94. the Doctrine of Proximate Causation
95. Injuries
96. Remote
97. Small losses
98. Hard to Prove
99. Jurisdiction
100. Non-Economic Damages
101. Damages for Pain and Suffering incurred by the victim as a result of the tort prior to death
102. the Distress and Loss of Companionship Suffered by Dependents or Heirs
103. Economic Losses
104. Loss to Dependent Measure
105. Lost Contributions from Victims To dependents

شامل کمک‌هایی نظیر تهیه مسکن، خوراک^{۱۰۶} و نظایر آن باشد). دادگاههای آمریکا برای محاسبه این غرامت‌ها از الگوی زیر استفاده می‌کنند (Dan B. Dobbs, 1993, 430-38):

هزینه های شخصی قربانی^۱ - درآمدهای آینده قربانی^۲ = غرامت^۳

1. Victim's Expenses 2. Victim's Future Incomes 3. Compensation

اما در ایالت‌هایی که «خسارات وارده به اموال و دارایی‌های قربانی»^{۱۰۷} را ملاک قرار می‌دهند، تلاش بر آن است تا خسارات به طور تقریبی مشابه آن اموالی که قربانی در صورت ادامه حیات طبیعی^{۱۰۸} می‌توانست به دست آورد، محاسبه گردد. (Dan B. Dobbs, 1993, 430-38). بنابراین طبق این سیستم قاعدتاً نتیجه باید این باشد که کسانی که از طرف قربانی فاقد همسر، درآمد و دارایی، اقامه دعوی می‌کنند، نباید انتظار چیزی به عنوان غرامت^{۱۰۹} را داشته باشند و یا حداکثر چیزی که به آنها تعلق خواهد گرفت غرامتی است که تنها هزینه‌های مراسم تشییع جنازه قربانی را پوشش خواهد داد.^{۱۱۰} بنابراین می‌بینیم که مطابق این رویکرد بابت مرگ طیف گسترده‌ای از اقشار جامعه نظیر افراد کهن سال بدون درآمد^{۱۱۱}، افراد فاقد شغل^{۱۱۲}، افراد بی‌خانمان^{۱۱۳} و همچنین زنان خانه‌دار^{۱۱۴} نمی‌توان مطالبه غرامت نمود (به استثنای اینکه می‌توان غرامتی ضمنی بابت خدمات خانه‌داری زنان خانه‌دار قائل شد). (Dan B. Dobbs, 1993, 436)، ولی عملاً این گونه رفتار نمی‌شود و این مباحث تنها به لحاظ نظری و به منظور مقاصد نقادانه حقوقی مطرح می‌شوند و در بوتله عمل غراماتی که دادگاههای ایالات متحده در پی مرگ این افراد تعیین می‌کنند به مراتب بیش از اینهاست. علت عمده آن نیز

106. Housing and foods

107. Loss to Estate Measure

108. Natural Life

109. Zero Damages

۱۱۰. برای مثال در قضیه McGowan علیه Wright دادگاه عالی ایالت می‌سی‌سی‌پی (Supreme Court of Mississippi) یک چنین حکمی را صادر نمود. برای مطالعه بیشتر در خصوص آن پرونده به پایگاه اینترنتی دادگستری ایالت می‌سی‌سی‌پی آمریکا، به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید: (See: McGowan v. Wright, 524 So. 2d 308 (Miss. 1988)) Available From the State of Mississippi Judiciary at: <http://www.mssc.state.ms.us/images/Opinions/Conv12089.pdf>

111. Elderly People who are Living off-saving

112. Unemployed People

113. Homeless People

114. Homemakers

همان‌گونه که گفتیم این است که اکثر دادگاههای آمریکا خسارات غیرمادی^{۱۱۵} را نیز در آرای صادره لحاظ می‌کنند، زیرا اولاً بیشتر اعضای هیئت منصفه به این استدلال‌های خشک حقوقی توجهی نمی‌کنند و کمتر از دادگاه تأثیر می‌پذیرند و ثانیاً، دادگاهها به منظور تأمین غرامتی معقول و منطقی^{۱۱۶}، حتی گاهی خساراتی غیرواقعی^{۱۱۷} را پرداخت می‌نمایند (Dan B. Dobbs, 1993, 446). از همین جا می‌توان دریافت که غرامت تعیینی برای صدمات وارده به افراد، در نظام حقوق مسئولیت مدنی ایالات متحده می‌تواند تا چه حد دلخواه^{۱۱۸} باشد (David Schakade et. Al, 2000, p. 1139). البته حقوق‌دانان آمریکایی در توجیه این رویه (پرداخت خسارات غیرواقعی در این قبیل موارد) به دستمایه‌ای با عنوان تجویز «خرد جمعی»^{۱۱۹} متوسل شده‌اند. (David Baldus, et al.) (1995, p. 1109) در حال حاضر در آمریکا به موجب قواعدی که در خصوص امکان مطالبه خسارات معنوی وارده به قربانی (به عبارتی دقیق‌تر، خسارات ناشی از فقدان لذت حیات)^{۱۲۰} در دادگاهها وضع گردیده است، پنج ایالت به لحاظ نظری این غرامات را قابل مطالبه تلقی می‌کنند (Brendan I. Koerner, 2004, p 1)؛ ایالت آرکانزاس^{۱۲۱}، ایالت کنکتیکات^{۱۲۲}، ایالت هاوایی^{۱۲۳}، ایالت نیوهمپشایر^{۱۲۴}، و ایالت نیومکزیکو^{۱۲۵}. بر این اساس خواهان (بستگان یا وراث قربانی) می‌توانند به واسطه مرگ خطایی این قبیل افراد که هیچ‌گونه درآمدی نداشته و به عبارتی مستحق دریافت خسارات مادی نیستند، دعوی مطالبه غرامت نمایند. روش‌شناسی خاصی در قوانین^{۱۲۶} و نظریات حقوقی^{۱۲۷} به چشم نمی‌خورد که بتوان گفت طبق آن غرامت باید محاسبه و پرداخت شود، اما «در عمل دیده می‌شود که دادگاهها محاسبه آن را بی هیچ قید و بندی به هیئت‌های منصفه می‌سپارند» (Dan B. Dobbs, 1993, 445).

در برخی از پرونده‌های حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطاهای مدنی در ایالات

115. Non-Economic Damages

116. to Ensure a Reasonable Recovery

117. Fictional Awards

118. Highly Arbitrary

119. the Conventional Wisdom

120. Hedonic Loss (loss of Pleasure of Life)

121. Arkansas (See: Durham v. Marberry, 2004 Ark, LEXIS 179)

122. Connecticut (See: Katsetos v. Nolan, 368 A.2d 172 (Conn.) 1976 ; Chase v. Fitzgerald, 45 A. 2d 789 (conn. 1946))

123. Hawaii (See: Montalvo v. Lapez, 884 P. 2d 345, 364 (Haw. 1994))

124. New Hampshire (See: Marcotte V. Timberlane/Hampstead School District, 733 A. 2d394 (N.H. 1999))

125. New Mexico (See: Smith v. Ingersoll-Rand Co., 214 F.3d 1235, 1245 (N.M 2000))

126. Status

127. Judicial Opinions

متحده، بعضاً دیده می‌شود که دادگاهها در شناخت ماهیت مربوط به فقدان لذت ادامه حیات (خسارات معنوی) به بیراهه رفته و آن را با «درآمدهای از دست رفته قربانی در آینده»^{۱۲۸} اشتباه می‌گیرند. (Lloyd Cohen, 1985, pp. 295, 307). بدیهی است نتیجه نهایی منجر به این خواهد شد که پیش بینی خسارات در هر پرونده مشکل و فاقد هر گونه ضابطه‌ای منطقی باشد، ولی ما سعی می‌کنیم با بررسی رویه‌های موجود تصویری تخمینی برای رفع این ابهامات ترسیم نماییم. با بررسی دو منبع عمده از داده‌های قضایی می‌توان به شمایی کلی از نحوه ارزیابی خسارات جسمی و جانی وارده به انسان‌ها در اثر خطاهای مدنی دست یافت:

۱. آرای که هیئت‌های منصفه صادر می‌کنند^{۱۲۹} و نیز سازش‌نامه‌هایی^{۱۳۰} که قبل از شروع دادرسی بین طرفین تنظیم می‌شود (JVS)^{۱۳۱}.

۲. سیستم داده‌های قضات دادگاههای حقوقی (CJS)^{۱۳۲} که در مقایسه با منبع اولی علمی‌تر و به عالم واقع نزدیک‌تر است.^{۱۳۳}

براساس آمار منتشر شده در سال ۲۰۰۴ م سیستم داده‌های هیئت‌های منصفه و سازش‌نامه‌های توافقی بین طرفین دعوی (JVS)، میانگین^{۱۳۴} خسارات برای مرگ‌های خطایی را حدود ۳٫۱ میلیون دلار و حد میانه^{۱۳۵} آن را برابر ۱٫۱ دلار در سال ۲۰۰۱ م مشخص نموده بود^{۱۳۶}. اما از مشاهده یافته‌های آرای قضات دادگاههای مدنی (CJS) مشخص می‌شد که میانگین و حد میانه آن‌ها در همان سال به ترتیب ۳٫۷۵۹٫۰۰ دلار و ۹۶۱٫۰۰۰ دلار در هر پرونده بوده است (Thomas H. Cohen and Steven K. Smith, 2004, p. 10).

لذا دیده می‌شود که میزان غرامات پرداختی در آرای هیئت منصفه و سازش‌نامه‌های

128. Victim's Future Lost Income

129. Jury Verdict

۱۳۰. Settlement: در اصطلاح حقوقی به توافق‌نامه‌ای اطلاق می‌گردد که معمولاً قبل از شروع فرآیند دادرسی، بین طرفین حاصل می‌شود و دادگاه‌ها را از رسیدگی فارغ می‌نماید. رک: (See: Webster Dictionary of Law, Id, At p. 238)

131. Jury Verdict and Settlement (JVS)

132. Civil Justice System Data (CJS)

۱۳۳. برای دیدن مثال‌هایی از داده‌های این سیستم (JVS) و منبع این آمار به پایگاه اینترنتی دانشگاه میشیگان، به آدرس اینترنتی زیر مراجعه نمایید:

http://webapp.icpsr.umich.edu/cocoon/NACJD_Study/03957.xml, Last Accessed: 12/January/2011

134. the Mean

135. the Median

۱۳۶. منظور از میانگین یا متوسط (Mean)، حاصل مجموع همه غرامات پرداختی تقسیم بر تعداد آنها و منظور از حد میانی (Median) غرامات، عدد وسط در پراکندگی آن ارقام است؛ برای مثال اگر غرامات پرداختی \$۱۴,۰۰۰، \$۱۸,۰۰۰ و \$۲۸,۰۰۰ باشد، میانگین یا «Mean» آنها برابر با \$۲۰,۰۰۰ و حد میانی (عدد میانی) \$۱۴,۰۰۰ خواهد بود.

قانونی به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است.^{۱۳۷} با این حساب می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا در ایالات متحده، صرف نظر از ارقام خاص و استثنایی^{۱۳۸}، جان انسان‌ها را کمتر از ۳ میلیون دلار ارزیابی می‌کند. البته حتی گفته می‌شود مبالغ واقعی که در نهایت پرداخت می‌شود^{۱۳۹} از این هم کمتر است و طی مراحل پس از صدور حکم^{۱۴۰}، کاهش بیشتری خواهد یافت.^{۱۴۱}

بند دوم: اهداف حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا

حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، همواره در پی تحقق دو هدف بوده است؛ یکی جبران خسارات وارده به زیان‌دیده^{۱۴۲} و دیگری فراهم آوردن حد مطلوبی از بازدارندگی^{۱۴۳}. در بیشتر موارد دیده می‌شود که این دو هدف در جهتی همسو در جریان می‌باشند؛ یعنی پرداخت غرامت باعث بازدارندگی شده، اشخاص خاطی را نسبت به ارتکاب چنین اعمالی در آینده به تأمل وامی‌دارد. در مباحثی که گذشت، با شیوه پرداخت غرامات ناشی از خطاهای مدنی در ایالات متحده تا حدود زیادی آشنا شدیم. اینک به بررسی هدف دیگری که حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا دنبال می‌کند، خواهیم پرداخت. برای درک بهتر کارکرد بازدارندگی، باید طرز تلقی قبل از وقوع حادثه‌ای (Ex Ante Perspective) را در پیش بگیریم، تصور کنید؛

۱۳۷. یکی از دلایلی که برای اختلاف در تعیین غرامات در این دو نوع از داده‌ها ذکر شده این است که در پرونده‌هایی که به صدور سازش نامه قانونی (Settlement) منتهی می‌شود و بر پایه توافق طرفین دعوی استوار است، احتمال دارد طرفین به تعیین مبالغ بالایی برای رسیدن به توافق اقدام کرده باشند، که همین امر می‌تواند یکی از عوامل مهم تفاوت در پرداخت‌ها باشد. برای مطالعه بیشتر ر.ک. A. Mitchell Polinsky, "Are Punitive Damages Really Insignificant, Predictable, and Rational? A Comment on Eisenberg et al.," 26 J. Legal Stud. at pp. 663, 668 (1997), Electronic Copy also Available From Social Science Research Network Electronic Paper Collection at : http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=10439

138. Outliers

139. the Real Amounts

140. Post-verdict Proceedings

۱۴۱. به طوری که برخی حقوق‌دانان آمریکایی گفته‌اند، خواهان معمولاً تنها ۵۷ درصد از مبلغ محکوم‌به را دریافت می‌نماید، برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک.:

Ivy. Broder «Characteristics of Million Dollar Awards: Jury Verdicts and Final Disbursements» 11 Justice System Journal, at p. 349 (1986)

و بعضی دیگر از حقوق‌دانان در یافته‌هایشان این مبلغ را در حوزه‌های قضایی مختلف (Different Jurisdictions) رقمی معادل ۶۰ تا ۷ درصد از مبلغ محکوم‌به ذکر کرده‌اند، برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک.:

Neil Vidmar et al., "Jury Awards for Medical Mal Practice and Post-Verdict Adjustments of Those Awards," 48 DePaul L. Rev. 25

142. Compensation

143. Optimal Deterrence

- ۱- در زمان «t₁»، قواعد حقوقی کامن لایی وضع می‌شود.
- ۲- در زمان «t₂»، هر یک از افراد جامعه انتخاب می‌نمایند که چگونه عمل کرده، چه سطحی از مراقبت را اتخاذ نمایند.
- ۳- در زمان «t₃»، خسارات و مرگ محقق شده، غراماتی که باید پرداخت شود بر ذمه خاطی قرار می‌گیرد.

با این مقدمه، می‌توان گفت که در رویکرد بازدارندگی به دنبال این هستیم که آن دسته از قواعد حقوقی را در زمان «t₁» به گونه‌ای وضع نماییم که غراماتی را در زمان «t₃» بر عهده شخص خاطی بار نماید، که در زمان «t₂» به او انگیزه مطلوب^{۱۴۴} جهت مراقبت از رفتار خویش را داده، وی را به اتخاذ تدابیر لازم تشویق نماید؛ این یعنی ایجاد بازدارندگی مطلوب. به عبارتی می‌توان به افراد جامعه انگیزه کافی را برای به کار بستن اقدامات احتیاطی لازم و مراقبت‌های ضروری از طریق الزام آنها به جبران خساراتی که به بار می‌آورند داد؛ اگرچه این خسارات از روی قصور^{۱۴۵} ارتکاب یافته باشد. برای مثال تصور نمایید که یک فعل زیان‌بار، مانند رعایت نکردن یکی از اصول ورزشی خاص باعث ورود ضرری معادل ۱۰۰۰ دلار به یکی از شرکت‌کنندگان در آن ورزش می‌شود، فرد خاطی می‌تواند احتمال به وقوع پیوستن خسارات را از طریق کم‌توجهی یا بذل توجه بیشتر به آن اصول به ترتیب کم و زیاد نماید. در اینجا بازدارندگی زمانی می‌تواند به نحو مطلوبی ایجاد شود که قواعد مسئولیت مدنی در زمان «t₁» به گونه‌ای تنظیم شده باشد که ورزشکاران برای اجتناب از بار مسئولیت که در زمان «t₃» بر آنها تحمیل می‌شود، مقررات مربوطه را به طور شایسته در زمان «t₂» رعایت نمایند.

از طرف دیگر دادگاهها پیوسته در تلاش‌اند تا به هنگام وضع قواعد مسئولیت مدنی، از یک سو هزینه‌های جانبی مراقبت و اقدامات احتیاطی که اشخاص باید مراعات نمایند^{۱۴۶} و از سوی دیگر هزینه‌های جانبی حوادث احتمالی^{۱۴۷} با هم متناسب باشد؛ به عبارتی دیگر اقدامات تأمینی که افراد برای اجتناب از خطر ملزم به رعایت آنها می‌باشند، نمی‌بایست بیشتر از هزینه‌هایی باشد که حادثه احتمالی ممکن است به بار آورد. این اصل لازمه ایجاد قواعد مراقبتی مطلوب^{۱۴۸} بوده و هر قاعده‌ای خلاف این منطوق، در حقیقت ترجیحی بلامرغ می‌باشد^{۱۴۹}. به هر حال در این مثال ما با الزام نمودن ورزشکار خاطی به پرداخت خسارات وارده به ورزشکار مصدوم، در حقیقت وی (ورزشکار خاطی) را به تأمل پیرامون خساراتی که فعل زیان‌بارش می‌تواند به بار آورد، واداشته‌ایم. بر این اساس با توجه به آنچه

144. Optimal Incentive

145. Negligent

146. Marginal Cost of Care

147. Expected Marginal Cost of a Potential Accident

148. the Efficient Care Rules

149. See generally: William M. Landes and Richard A. Posner, *The Economic Structure of Tort Law*, Harvard University Press; First Edition (1987), ISBN-10: 0674230515

گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت هرگاه هزینه اقدامات احتیاطی کمتر از هزینه‌هایی باشد که حادثه احتمالی به بار خواهد آورد، می‌بایست مسئولیت را مفروض تلقی کرد. بنابراین برای نمونه چنانچه در ورزش هاکی هزینه نصب تورهای حفاظتی در اطراف جایگاه تماشاچیان، کمتر از خسارتهای احتمالی^{۱۵۰} ناشی از اصابت توپ هاکی به تماشاچیان ارزیابی شود- که اغلب هم چنین است- می‌توان بر مسئولیت برگزارکنندگان آن مسابقه ورزشی ومدیران آن سالن ورزشی حکم نمود.

در آن دسته از پرونده‌های مسئولیت مدنی که در بردارنده خساراتی هستند که به راحتی قابل اندازه‌گیری می‌باشد، میزان غرامت برابر میزان خسارت است؛ بنابراین کسی که خسارتی معادل ۱۰۰۰ دلار متحمل شده، غرامتی برابر با همان ۱۰۰۰ دلار دریافت نموده و خسارات وارده به خود را به خوبی جبران شده می‌یابد. اما همه مشکل آنجاست که خسارات وارده به زیان دیده به خوبی قابل اندازه‌گیری نباشد؛ برای نمونه در مواردی که شخصی قربانی خطای مدنی شده و فوت کرده است، چگونه می‌توان آسیب وارده به وی را جبران کرد؟ آیا پرداخت غرامت برای شخصی که مرده ارزشمند است و می‌تواند خسارت ناشی از فقدان حیات را برای وی جبران نماید؟ جواب قطعاً منفی خواهد بود؛ پس راه حل پیش رو چیست؟ می‌توان گفت چون زیان به لحاظ حقوقی به مقتول وارد آمده است و برای شخصی که مرده پول معنایی ندارد، پس مطابق منطق حقوقی و از بعد دقیق جبرانی^{۱۵۱}، بحث تعویض (دادن عوض) هم منتفی است؛ استدلالی که تا پیش از قرن نوزدهم میلادی به آن استناد می‌شد^{۱۵۲}.

در پاسخ به این استدلال گفته شده است، هرچند به لحاظ منطقی می‌بایست بین شخص زیان دیده و کسی که خسارات وارده به وی قرار است جبران شود وحدت شخصیتی وجود داشته باشد، اما در حوادث منجر به فوت که این امر متصور نیست و صحیح هم نیست که قائل بر این شد که هیچ اقدام جبرانی دیگری هم نباید انجام شود^{۱۵۳}، بلکه باید توجه داشت خطای کشنده، عوارض و تبعاتی که مرگ به دنبال دارد^{۱۵۴} را نیز شامل می‌شود. بر همین اساس امروزه دادگاههای ایالات متحده به پرداخت خسارات وارده به افرادی که مستقیماً از مرگ قربانی زیان می‌بینند، حکم می‌دهند. (W. Kip Viscussi and Joseph Aldy, 2003, pp. 17-21)

بند سوم: جمع‌بندی کارکرد نظام حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا و سیستم

مبنی بر قوانین و قواعد تدوین شده توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری

۱. حقوق مسئولیت مدنی خسارت را تابعی از منافع از دست رفته (تفویض شده) می‌داند و عموماً مطابق درآمد آینده قربانی به بستگان وی غرامت پرداخت می‌کند؛ یعنی محاسبه

150. Expected Losses

151. A Strictly Compensatory Perspective

۱۵۲. رجوع کنید به مبحث دوم از همین فصل صص. ۹-۱۰.

۱۵۳. این استدلال مرادف قاعده فقهی « ما لایدرک کله، لا یتراک کله» در حقوق ما می‌باشد و به موجب آن هرگاه جبران همه ضرر ممکن نباشد، نباید همه آن را نیز متروک گذاشت.

154. Imposition of the Risk of Death

می‌کند در صورتی که مقتول زنده می‌بود و یک زندگی عادی داشت، به چه میزانی از بستگانش حمایت می‌نمود. افزون بر این گاهی هم دادگاهها برای غم و اندوه، فشارهای روانی و خسارات ناشی از فقدان همراهی متوفی غراماتی را تعیین می‌کنند و سعی می‌شود غرامات تا حد ممکن با عالم واقع منطبق باشد که این ویژگی از کارکرد های مثبت این سیستم به شمار می‌آید (Dan B. Dobbs, 1993, pp. 430-4).

۲. سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، به دلیل تمرکز سنتی‌اش بر روی خسارات ناشی از درآمدهای از دست رفته، مبلغ کمی را برای خسارات ناشی از فقدان حیات کودکان تعیین می‌نماید، زیرا کودکان اغلب درآمدی نداشته و خانواده‌ای را سرپرستی نمی‌کنند. با این رویکرد، بازماندگان کودکان خسارات بیشتری را در پی مرگ آنها متحمل خواهند شد که این موضوع را می‌توان یکی از نکات منفی در این سیستم قلمداد نمود؛ در حالی که در سیستم مبتنی بر مقررات و قوانین مدون که توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری وضع می‌شوند، غرامات صغار و کبار برابر ارزیابی می‌شود.

۳. حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، رویکردی پس از حادثه‌ای (Ex Post) و فردیت یافته^{۱۵۵} دارد، در حالی که حقوق مبتنی بر قوانین و مقررات مدون، رویکردی پیش از وقوع حادثه‌ای (Ex Ante) و عمومیت‌گرایانه^{۱۵۶} است. بنابراین حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا به دلیل اینکه تنها پس از وقوع حادثه وارد عرصه می‌شود، به لحاظ دقت عمل، دقیق‌تر می‌تواند به جبران خسارات شخص زیان‌دیده از وقوع خطای مدنی بپردازد، زیرا به دلیل دسترسی به منابع اطلاعاتی غنی^{۱۵۷} و دقیق‌تر، می‌تواند بهتر تصمیم‌گیری نماید و از طرفی دیگر در ایالات متحده طرفین دعوی مسئولیت مدنی مطابق قواعد مربوط به ادله اثبات دعوی^{۱۵۸}، از این مزیت برخوردارند که هرگونه دلیل یا مدرکی را که به دقت رأی کمک کند به دادگاه ارائه نمایند، و لذا در مقایسه با دیدگاه نهادهای مستقل قانون‌گذاری رویکرد دقیق‌تری به مسئله جبران خسارات دارند.

۴. جبران غرامت در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، مستقیماً بر عهده تصمیم‌گیرندگان قضایی است و مبتنی بر مقایسه حالت پیش از وقوع خطا بر قربانی^{۱۵۹} با حالت پس از وقوع خطا بر وی^{۱۶۰} است؛ لذا در مواردی که زیان وارده، زبانی مالی^{۱۶۱} یا صدمه‌ای فیزیکی^{۱۶۲} باشد، این رویه حداکثر بازدهی را دارد، اما در مواردی که خطای مدنی باعث مرگ فرد شده است، راهی برای مقایسه حالت قبل از مرگ با تجربه پس از مرگ

155. Individualized

156. Generalized

157. Information-Rich

158. Rules of Evidence

159. Victims Pre-Tort State

160. Victims Post-Tort State

161. Financial Loss

162. Physical Injury

قربانی^{۱۶۳} متصور نیست، پس این مشکل اساسی عملکرد و دقت سیستم حقوق مسئولیت مدنی را در موارد که حادثه منجر به مرگ قربانی می‌شود، زیر سؤال می‌برد^{۱۶۴}.

۵. در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا، دیده می‌شود که خسارات در موارد مشابه بسیار متفاوت و متنوع می‌باشد. علت این است که هیئت‌های منصفه فاقد منابع لازم برای ارجاع و استناد^{۱۶۵} به آنها هستند، بنابراین تصمیمات آنها به طور چشمگیری دلخواهانه است. در بسیاری از موارد احساسات و عواطف اعضای هیئت منصفه نظیر حس انتقام جویی^{۱۶۶} در تصمیمات آنها اثر می‌گذارد و این یکی از مشکلات دادرسی دادگاهها به‌شمار می‌آید؛ در حالی که این ایراد در سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری، به دلیل رویکرد پیش از وقوع حادثه‌ای (Ex Ante)، راه ندارد.

به هر حال در یک ارزیابی کلی از عملکرد این دو بدنه حقوق مسئولیت مدنی آمریکا باید گفت سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطا به لحاظ مزایایی که به واسطه دیدگاه شخصی و فردگرایانه نسبت به نهادهای مستقل قانون‌گذاری دارد، به علت اینکه در موارد مشابه به شکل بسیار متفاوتی خسارات را به معادل مادیشان باز می‌گرداند^{۱۶۷} و در نتیجه ارقام متنوعی را در موارد یکسان ارائه می‌دهد و دست هیئت منصفه را برای خودسری‌های احتمالی^{۱۶۸} بیش از حد باز می‌گذارد، مورد انتقاد حقوق دانان آمریکایی واقع شده است (Deborah Jones Merritt and Kathryn Ann Barry, 1999, p.315)

ایرادهای دیگری نیز به این سیستم وارد شده که به دلیل عدم قابلیت انطباق آنها با حقوق کشورمان و دشواری ترسیم و تبیین آنها و نیز بی‌فایده بودن طرح آنها از بحث پیرامون آنها خودداری می‌کنیم.^{۱۶۹}

گفتار دوم: حقوق مسئولیت مدنی ایران و پرداخت غرامات

حقوق ایران را نیز در هدف می‌بایست با حقوق سایر کشورها از جمله ایالات متحده دارای وجهی مشترک دانست، و آن تحقق عدالت و یا حداقل تلاش در این راستاست. اما پاسخ به این پرسش کلیدی که عدالت چیست، در حقیقت تعیین کننده نقش اصلی حقوق و تبیین

163. the Actual Victim's Experience of Death

164. Eric A. Posner and Cass R. Sunstein, Id. at p. 45

165. Lack Reference Points

166. Desire for Revenge

167. Monetization

168. Possible Arbitrariness

۱۶۹. ایرادهایی نظیر تأثیرات آن بر بازار بیمه‌های مختلف در آمریکا، که خود موضوع تحقیقی دیگر می‌باشد. برای مطالعه بیشتر رک.:

See e.g. : Theodore Eisenberg, Neil LaFountain, Brian Ostrom, David Rottman, and Martin T. Wells, *Juries, Judges, and Punitive Damages: An Empirical Study*, 87 Cornell L. Rev. 743 (2002), See also Joni Hersch and W. Kip Viscusi, *Punitive Damages*, 33 J. Legal Stud. 1 (2004)

کننده سیاست‌های عدالت قضایی یک کشور محسوب می‌شود. در این بحث که عدالت را از جنبه مسئولیت مدنی تحت مذاقه و بررسی قرار داده است، در ابتدا باید ببینیم که نظام حقوقی ایران که از تعالیم دین مبین اسلام الهام گرفته است، چه مفهومی از عدالت را در نظر دارد؟ آیا عدالت در این است که به همه غرامتی یکسان داده شود یا به هر کس متناسب با ارزش خسارات وارده غرامت پرداخت شود؟ برای مثال در برخورد با مرگ کسی که به واسطه صلاحیت‌ها و شایستگی‌های خود در طول زندگی، سالانه یک میلیارد ریال درآمد داشته، و بیکاره‌ای که هیچ درآمدی در سال ندارد، باید یکسان برخورد نمود؟ به واقع در این شرایط خرد و عدالت چه حکم می‌کند؟

در اینجا بی‌مناسبت نیست نیم‌نگاهی به آنچه فلاسفه در پاسخ به این پرسش آورده‌اند، داشته باشیم. ارسطو در حدود ۲۴۰۰ سال پیش به این سوال پاسخ می‌دهد؛ پاسخی که به نظر منطقی و لازمه عدالت است. وی عدالت را در دو سطح به رسمیت می‌شناسد؛ «عدالت عددی» و «عدالت ارزشی» (ارسطو، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶). به مفهومی ساده در برابری عددی، شمار یا اندازه آنچه دو شخص دریافت می‌دارند در شرایط یکسان و برابر می‌بایست عددی یکسان و برابر باشد و بدین گونه با آنها به‌طور یکسان رفتار، و عدالت نیز برقرار شده است. اما برابری یا عدالت ارزشی، برابری نسبی است؛ یعنی هر کس به نسبت ارزش خساراتی که متحمل شده است، باید غرامت دریافت دارد و این را نباید به معنای نابرابری انگاشت، «زیرا همه مردم همداستان‌اند که اقتضای عدل مطلق آن است که حق هر کسی به اندازه ارزشی باشد که شایسته‌اش است» (ارسطو، ۱۳۸۶، ص ۲۶۷). ارسطو همچنین معتقد است: «پذیرش برابری عددی و در موارد مقتضی برابری ارزشی شرط خرد می‌باشد؛ در غیر این صورت نباید انتظار رسیدن به عدالت و رستگاری واقعی را کشید» (ارسطو، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶). این عقیده قوی و خالی از اشکال به نظر می‌رسد، اما ظاهراً در فقه و به پیروی از آن حقوق مسئولیت مدنی ایران، حداقل در مواردی که به ضرب و جرح یا مرگ افراد می‌انجامد، این موضوع مورد توجه قرار نگرفته است؛ مسئله‌ای که موجب بزرگ‌ترین حقوقدانان ایرانی نسبت به آن معترض باشند و تجدید نظر در این سنت‌های کهنه را خواستار شوند. به اعتقاد آنها نیز «برابر داشتن ریاضی همه کسانی که لباس زیبایی آدمیت را به تن دارند، عین ستم است و تظاهر به عدالت. چگونه می‌توان خسارت شکستن دست جراح یا هنرمندی را با بیکاره‌ای دغل برابر داشت و دم از عدالت خواهی زد؟ آیا انسان‌ها در پیشگاه قانون همچون اموال ارزشی برابر دارند؟! و شرف، تقوا، علم و وضع اجتماعی آنان به حساب نمی‌آید؟» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۵۸).

مبحث اول: شیوه جبران خسارات و پرداخت غرامات در حقوق ایران

در حقوق ایران پس از اینکه خطای مدنی که تمامیت جسمی یا جانی افراد را مورد تعرض قرار می‌دهد اثبات گردید، «دیه» بر عهده شخص مرتکب خطا قرار می‌گیرد. این نهاد حقوقی در جبران خسارات واحدی که به افراد وارد می‌شود، دیدگاهی متفاوت دارد. نسبت به مسلمان و غیر مسلمان، زن و مرد و همچنین هریک از اعضای بدن قیمتی مقطوع و متفاوت در نظر گرفته است. اما باید دید دیه چیست و چه کارکردی دارد؟ قانون‌گذار ایران

دیه را این گونه تعریف نموده است: «مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است»^{۱۷۰}؛ به دیگر سخن، «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داد می شود»^{۱۷۱} که میزان آن برای مرگ افراد ذکور معادل ارزش صد شتر و برای اناث معادل نیمی از این میزان یعنی پنجاه شتر است.^{۱۷۲}

به طور کلی درباره ماهیت دیه دو دیدگاه وجود دارد: ۱. دیه، کیفر مجازات قتل و جرح بوده و هدف از آن تنبیه فرد مجرم یا خطاکار است. مطابق این عقیده زیان دیده می تواند هم دیه بگیرد (به عنوان مجازات) و هم زیان ناشی از جرم را مطالبه نماید (به عنوان غرامات).^۲ دیه، وسیله جبران خسارات است و مجازات محسوب نمی شود. مطابق این دیدگاه دیه مبلغی مقطوع است که به فرض تمام خسارات قربانی را پوشش می دهد، لذا با دادن دیه، تمام ضرر جبران می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۶۴). هر دو نظریه غیرقابل قبول به نظر می رسد، زیرا طبق نظریه اولی شخص خطاکار از یک طرف می بایست مبلغ دیه را به قربانی به عنوان مجازات پرداخته، سپس سایر خسارات وارده به وی را نیز در حق وی تأدیه نماید. این نظر خلاف اصول مسئولیت مدنی است، زیرا «هدف از مسئولیت مدنی جبران ضرر است؛ نه تحصیل سود برای زیان دیده، پس ضرری را که به گونه ای جبران شده است، نمی توان مطالبه کرد» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص ۶۸-۵۷). بنابراین می بینیم که اعتقاد به این موضوع، اجحافی در حق شخص خاطی محسوب می شود و از طرفی اعتقاد به نظریه دوم که قربانی را فقط ملزم به پذیرش دیه می کند و امکان مطالبه غرامت اضافی ناشی از خساراتی را که او واقعاً متحمل شده است، از او سلب می نماید (در عمل رویه فعلی دادگاههای ایران همین است)، نظری خلاف عدل و انصاف است و اجحاف به حقوق قربانی است. اما عدالت چیست؟ عدالت قطعاً حد وسط این دو نقطه باید قرار بگیرد، تا نه قربانی سستی از این رهگذر متحمل شود و نه خاطی. برای حل این مشکل نظریه سومی نیز ابراز شده است، که به نظر می رسد منطقی تر از ۲ نظریه بالاست. مطابق نظریه اخیر امکان مطالبه ضرر اضافی (علاوه بر مبلغ مقطوع دیه) نیز برای قربانی محفوظ است، زیرا با پرداخت دیه همیشه نمی توان ضرر ناشی از خطا را جبران نمود و گاه بخش مهمی از آن جبران نشده باقی می ماند. مطابق این عقیده زیان دیده نیازی به اثبات ورود ضرر تا سقف مبلغ دیه ندارد، ولی برای مازاد آن می بایست ورود ضرر به خویش را اثبات نماید. در تأیید این نظریه به قاعده فقهی «لاضرر» استناد می شود که حکم به جبران تمام ضررهای ناشی از جرم را می دهد و هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی گذارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص ۶۸-۵۷). به نظر ما نظر سوم به حق نزدیک تر است، اما در عمل رویه دادگاهها خلاف این است و به طور سنتی دیه را وسیله جبران خسارت و مبلغی مقطوع تلقی می نمایند، لذا دادگاهها مطابق رویه حاضر، در مواردی که خطا مرگ شخصی را رقم می زند یا به ورود صدمات جسمانی به وی منجر می شود، تنها حکم به

۱۷۰. ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰

۱۷۱. ماده ۲۹۴ همان قانون.

۱۷۲. مواد ۳۰۰ و ۲۹۷ از همان قانون.

پرداخت دیه نموده و حتی در مواردی که خسارات وارده به تبع مرگ یا نقص عضو قربانی بیش از مبلغ دیه باشد، قائل به مبلغی بیش از آن نیستند؛ آنچه به گمان عده‌ای که به ظاهر احکام توجه نموده‌اند از احکام دین مبین اسلام استنباط می‌گردد.

برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند «در دیه جلوه‌هایی از ویژگی‌های مجازات‌های مالی قابل مشاهده است؛ مثل اینکه میزان آن نسبت به افراد مختلف متفاوت نیست، در حالی که می‌دانیم خساراتی که مثلاً از قطع پا به یک فوتبالیست حرفه‌ای یا از قطع دست به یک نقاش ماهر یا تنیس باز حرفه‌ای می‌رسد، به هیچ‌وجه همپایه خساراتی که در نتیجه همین اقدام به یک فرد معمولی بیکار می‌رسد، نیست. از سوی دیگر پرداخت دیه به قربانی به جای واریز آن به خزانه دولت، آن را به غرامت نزدیک‌تر می‌سازد؛ زیرا جزای نقدی به صندوق دولت و نه قربانیان جرم پرداخت می‌شود» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۶) از بررسی نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه هم نتیجه‌ای عاید نمی‌گردد. این اداره تاکنون نظریات مختلف و بعضاً متضادی را در خصوص ماهیت دیه ارائه کرده است که نمی‌توان از آنها هم به نتیجه‌ای دست یافت. در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۹۱ مورخ ۶۵/۵/۲۱، گفته شده است: «هر چند دیه مانند جزای نقدی مجازات مالی است، ولی در عین حال یک دین و حق مالی برای اولیای دم، و بر ذمه جانی است، لذا با فوت محکوم علیه دیه از اموال متوفی باید استیفا گردد». همین اداره در نظریه مشورتی شماره ۷/۶۴۵۷ مورخ ۶۷/۱۱/۱۸ خود، دیه را دین دانسته و برای آن ماهیتی صرفاً حقوقی قائل شده است، برعکس در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۵ مورخ ۸۰/۲/۱ خود با تصریح به اینکه وصول دیه نیاز به تقدیم دادخواست ندارد، ماهیتی کیفری برای آن قائل شده است. در این اوضاع می‌بایست به دنبال راهی بود که هم به دغدغه‌های عدالت‌جویانه متکی بر منطق جدید حقوقی پاسخی مناسب دهد و هم با احکام شرع مقدس که برای رستگاری انسان و جامعه وضع شده انطباق بیشتری داشته باشد. با توجه به امضایی بودن دیه، به نظر می‌رسد پیامبر (ص) احکامی را که در آن سامان وجود داشته و مورد نیاز جامعه آن روز بوده است، صرفاً مورد تأیید قرار داده، ولی از این امر استنباط نمی‌شود که حضرتش قصد داشت برای آیندگان نیز این حکم مطابق آن زمان تعیین شود، زیرا همان‌گونه که یکی از مراجع تقلید معاصر در تأیید این نظر عنوان نموده، «در آن چیزی که تأسیسی نیست و امضایی است و در بین عقلا بوده، تعبد خشک خیلی بعید است»^{۱۳}؛ لذا با این تفصیل، شایسته است قانون‌گذار ایران با تقویت و اتخاذ چنین رویکردهایی زمینه را برای اصلاح قوانین مسئولیت مدنی و جزایی در راستای رسیدن به عدالت بیشتر هموار نماید.

مبحث دوم: بررسی ارزش حیات آماری ایرانیان

بنابر آنچه گفته شد، تفسیر دومی که دیه را مبلغی مقطوع دانسته و امکان مطالبه زیاده بر آن را مجاز ندانسته است، و در حال حاضر دادگاه‌های ایران نیز این تفسیر را در عمل و به عنوان رویه به کار می‌بندند، معیار مناسبی برای جبران خسارات زیان‌دیده نیست و

۱۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، تقریرات درس خارج فقه، بحث دیات، جزوه شماره ۹، انتشارات فیضیه به نقل از میر محمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص»، چاپ ششم تابستان ۱۳۸۹، صص. ۲۰۱-۲۰۲

هدف حقوق مسئولیت مدنی در جبران همه ضررهای وارده به زیان دیده و اعاده وضعیت به زمان پیش از وقوع خطا را برآورده نمی‌سازد. اینک می‌خواهیم ببینیم که نظر عامه مردم در خصوص ارزش حیات انسان‌ها تا چه حد به دیه نزدیک است. خواهیم دید که این مبلغ منطبق با خواسته و برآوردهای ایرانیان نیز نمی‌باشد. در ایران هر چند اصطلاح ارزش حیات آماری (VSL) اصطلاحی نامأنوس است، ولی دارای مفهومی مشابه در حقوق ماست، که همان دیه است. با این تفاوت که دیه رقمی ثابت است که شارع مقدس آن را تعیین کرده است و حداکثر پویایی آن بسته به تغییرات نرخ شتر و گاو و گوسفند و غیره است؛ در حالی که ارزش حیات آماری (VSL) رقمی متغیر است که براساس نظرسنجی‌های پیوسته از مردم و با توجه به بازار عالم واقع تعیین می‌گردد و همان‌گونه که دیدیم بر اساس نتایج تحقیقات حقوقی و اقتصادی قابلیت انعطاف‌پذیری دارد.

بر اساس یک نظرسنجی^{۱۷۴} که در سال ۲۰۰۲ م / ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ش در ایران به عمل آمد، نظر سه هزار نفر از ساکنین تهران در خصوص ارزش ریالی حیات انسان و نیز مبلغی که برای اجتناب از بیماری‌های مختلف حاضرند پردازند، پرسیده شد. دو تن از اساتید دانشگاه ایالتی کالیفرنیا^{۱۷۵} (ویکتور برجر و مرتضی رحمتیان) با تجزیه و تحلیل داده‌های آن نظرسنجی، اقدام به استخراج مفاهیم حقوقی-اقتصادی متداول در آمریکا، نظیر میزان تمایل به پرداخت (WTP) و یا ارزش حیات آماری (VSL) برای ایرانی‌ها نمودند (Victor Brajer and Morteza Rahmatian, 2004, p ۲)^{۱۷۶}. آنها در خصوص میزان ارزش حیات آماری ایرانی‌ها به این نتیجه رسیدند که «مطابق نظرسنجی عمومی که از ساکنین تهران در خصوص ارزیابی آنها از مواردی که به مرگ می‌انجامد به عمل آمده است، مشخص شده آنها رقمی را که برای ارزش حیات آماری (دیه) تخمین می‌زنند معادل ۶۶,۷۵۰ دلار آمریکا می‌باشد^{۱۷۷}. این رقم حدود پنجاه درصد از آنچه در حال حاضر به عنوان دیه وجود دارد بیشتر است»^{۱۷۸}. با همه اینها این رقم هنوز هم ناچیز می‌نماید. علت این ارزیابی کم به نظر می‌رسد این باشد که «دیدگاه مردم در تعیین میزان تمایل به پرداخت برای اجتناب از مواردی که به مرگ زود هنگام منتهی می‌شود (WTP)، به شدت تحت تاثیر سنت دیرینه دیه قرار دارد»^{۱۷۹}. برای حل این مسئله به نظر ما

174. Survey

175. California State University

۱۷۶. نتایج این تحقیق که توسط دو تن از اساتید دانشگاه ایالتی کالیفرنیا-ویکتور برجر و مرتضی رحمتیان- مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، در قالب گزارشی بسیار خلاصه (در حدود ۸ صفحه) به آدرس اینترنتی زیر در دسترس می‌باشد:

http://iwlearn.net/publications/misc/caspianev_brajer.pdf, Last Accessed: 5/July/2011

۱۷۷. باید توجه داشت در زمان انجام این تحقیق نرخ دیه حدوداً معادل ۴۵۰۰۰ دلار آمریکا بوده است.

Victor Brajer and Morteza Rahmatian, Id. At p. 2 رجوع کنید به:

178. "We conduct a Tehran-based contingent valuation survey on mortality valuation, and estimate a VSL of approximately \$66,750, which is about 50 percent higher than our Diye/human capital number"; Victor Brajer and Morteza Rahmatian, Id. At p. 8

179. «We speculate that peoples' attitudes toward the value of avoiding premature

راه حل مطلوب همان روش سومی است که پیشنهاد شده، رویکردی که همه خسارات زیان دیده را جبران نموده و سستی نیز بر شخص خطاکار روا نمی‌دارد؛ یعنی قربانی باید حق مطالبه ضرر افزون بر مبلغ دیه را نیز در مواردی که خسارات بیشتری به وی تحمیل گردیده است، داشته باشد؛ چراکه حقیقت این است که با پرداخت دیه همیشه نمی‌توان ضرر ناشی از خطا را جبران نمود و گاه بخش مهمی از آن جبران نشده باقی می‌ماند. در تأیید این نظریه به قاعده فقهی «لاضرر» استناد می‌شود که به جبران تمام ضررهای ناشی از جرم حکم می‌دهد و هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی‌گذارد.^{۱۸۰} بنابراین شایسته است واضعان قوانین مسئولیت مدنی و جزایی ایران با توجه به این واقعیت که قوانین و مقررات اصولاً برای نیازهای روز جامعه وضع و تدوین می‌گردد، از این داده‌های جهان واقع و نظرسنجی‌های افکار عمومی برای تعیین ارزش حیات انسانها بهره‌برداری نمایند.

نتیجه‌گیری

در ایالات متحده آمریکا در زمینه مسئولیت مدنی و پرداخت غرامات دو بدنه مستقل حقوقی به ایفای نقش می‌پردازند؛ یکی سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون توسط نهادهای مستقل قانون‌گذاری، که از سال ۱۹۸۱ م تاکنون به صورت نظام‌یافته مشغول فعالیت می‌باشد. در این شیوه نهادهای مستقل قانون‌گذار تمایل گسترده‌ای به بهره‌برداری از مطالعات اقتصادی، اجتماعی و آماری برای تعیین ارزش حیات انسانها (VSL) دارند. این سیستم در کنار مزیت‌هایی که دارد یک ایراد مهم بر آن وارد است و آن این است که نهادها همواره رقمی یکسان را در شرایط مختلف بدون توجه به اینکه افراد چقدر متحمل خسارت شده‌اند، به عنوان غرامت تعیین می‌نمایند، و این تا حدودی مشابه نظام حقوقی «دیات» است. این رویکرد به دلیل همین دیدگاه کلی گرایانه مورد انتقاد حقوق دانان آمریکایی واقع گردیده است. سیستم دیگر، حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطای مدنی است که دارای قدمتی بیشتر بوده و در آن دادگاهها با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های

death, as captured by our WTP mortality survey, are strongly influenced by the long-held Diye tradition"; Victor Brajer and Morteza Rahmatian, Id. At p. 8

۱۸۰. در حقوق ایران، مباحث مربوط به میزان دیه در موارد مختلف و نحوه تعیین آن با وجود رابطه مستقیم و کاملاً مشهودی که با حقوق مسئولیت مدنی دارد، به طور سنتی در حقوق کیفری مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. ما نیز با توجه به این موضوع و مهم‌تر از همه این واقعیت که نویسندگان حقوقی به اندازه کافی در این زمینه قلم زده‌اند، از ورود به مباحث جزئی‌تر خودداری می‌کنیم. برای مطالعه در خصوص میزان دیه مرد، زن، پیروان سایر ادیان و همچنین دیه اعضای بدن انسان، به منابع زیر رجوع نمایید:

الف) میر محمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص»، نشر میزان، چاپ ششم تابستان ۱۳۸۹

ب) گلدوزیان، ایرج، «حقوق جزای اختصاصی»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، بهار ۱۳۸۲
برای مطالعه در خصوص ماهیت و میزان دیه به طور کلی، در منابع انگلیسی و آشنایی با دیدگاه آنها در این خصوص، رجوع نمایید به:

Schacht, Joseph, "An Introduction to Islamic law", Oxford at the Clarendon Press, 1964 at : Chapter 24; Penal Law, at pp. 175-187

هر پرونده، به افراد زیان دیده غرامت می‌پردازند. اما ایرادی که به این سیستم وارد شده، این است که در این سیستم همواره این امکان وجود دارد که دادگاه و هیئت منصفه تحت تأثیر عواطف، احساسات، غرض‌ورزی‌های شخصی و نظایر آن قرار گرفته و در این شرایط اقدام به تعیین غرامت می‌نمایند، که همین موضوع باعث می‌شود در موارد بسیاری غرامات واقعی و منصفانه نباشند. به علاوه حقوق‌دانان آمریکایی این موضوع را که دادگاهها در اغلب موارد بدون هیچ‌گونه نظارتی تعیین غرامت را به هیئت‌های منصفه واگذار می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده‌اند. در حال حاضر نهادهای مستقل قانون‌گذاری مختلف در ایالات متحده با وجود تفاوت‌هایی که در اعلام ارزش حیات آماری انسان‌ها با یکدیگر دارند، غالباً رقمی بین ۷,۵ تا ۹ میلیون دلار را برای آن عنوان کرده‌اند. در سیستم حقوق مسئولیت مدنی ناشی از خطای مدنی، در حال حاضر دادگاهها به طور میانگین رقمی حدود ۵ تا ۶,۵ میلیون دلار را به عنوان غرامت در حوادث منجر به مرگ افراد حکم می‌دهند. نویسندگان حقوقی ایالات متحده برای تقریب و هم‌گرایی هر چه بیشتر این دو بدنه حقوقی که هدفی یکسان (جبران خسارات و بازدارندگی) را دنبال می‌کنند، پیشنهاداتی را مطرح ساخته‌اند تا از طرفی نهادهای مستقل قانون‌گذاری بتوانند امکان اعمال فردگرایی را تا حدود بیشتری لحاظ کنند و از طرف دیگر، دادگاهها نیز در تعیین غرامت به روشی ضابطه‌مندانه‌تر عمل نموده و از این پراکندگی آرا در موارد مشابه و یکسان بکاهند.

در حقوق ایران شارع مقدس به مانند نقشی که نهادهای مستقل قانون‌گذاری در سیستم مبتنی بر قواعد و مقررات مدون اعمال می‌کنند، وارد میدان شده و با اتخاذ رویکردی پیش از وقوع حادثه‌ای (Ex Ante)، خود مبادرت به پیش‌بینی و تعیین غراماتی مقطوع با عنوان دیه نموده است. آنچه این موضوع را پیچیده‌تر ساخته و از حق دور کرده، استنباطی است که از ماهیت دیه به عمل آمده و بدون توجه به مفهوم قاعده «لاضرر» دیه را مبلغی مقطوع دانسته و زیاده بر آن را حتی اگر قربانی متحمل شده باشد، قابل مطالبه نمی‌داند. برای حل این مشکل نیز روشی پیشنهاد شده که نه با آموزه‌های دین مبین اسلام در تضاد است و نه اجحافی به طرفین دعوی مسئولیت مدنی روا می‌دارد. با توجه به قاعده لاضرر و نیز تقویت عقاید فقهی آن دسته از فقهای که تعبد را در امور امضایی (که تأسیسی نیستند) بعید دانسته‌اند، باید قائل شد که دیه مبلغی مقطوع است و به محض اثبات خطای مدنی بر ذمه خطاکار قرار می‌گیرد. زیانکار نیازی به اثبات ورود ضرر تا سقف مبلغ دیه ندارد، ولی برای مازاد آن می‌بایست ورود ضرر به خویش را اثبات نماید. ما این روش را عقلایی، عادلانه و همسو با سنت‌های مذهبی یافتیم که راه را برای بهره‌برداری از داده‌های اقتصادی و مطالعات اجتماعی در حقوق، همچنان که در مورد آمریکا دیدیم، هموار ساخته و زمینه‌ساز آشتی حقوق با نیازهای روز جامعه و سایر علوم اجتماعی دیگر می‌باشد.

منابع

۱. ارسطو، «سیاست»، ترجمه عنایت، حمید، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، پاییز ۱۳۸۶.
۲. پارسای، کامروز، فرهنگ دو سوئه اسپانیایی-فارسی، انتشارات رهنما، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۶.
۳. حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۷۰.

۴. رحمانی، عطاالله، مقاله «فنون تحقیق»، انتشارات دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۸۹.
۵. سید ابراهیمی، فاطمه، «حرکت اجتماعی علیه جرم صنفی در امریکا: بررسی نقش وکلای عمومی محلی در آمریکا»، پایگاه نشریات الکترونیکی دانشگاه تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۱. برای دسترسی به نسخه الکترونیکی ر.ک به آدرس اینترنتی زیر: <http://journals.ut.ac.ir/page/article-frame.html?articleId=8204>
۶. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۰.
۷. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفاء، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۸. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ بیست و دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۹. لازر، کریستین، «درآمدی بر سیاست جنایی»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، ۱۳۸۱.
۱۰. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۰.
۱۱. میر محمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص»، چاپ ششم، تابستان ۱۳۸۹.
12. Ackerman, Frank and Heinzerling, Lisa, "Priceless; on Knowing Price of Everything and the Value of Nothing, the New Press Pub. ISBN-10: 15658485002004)
13. A. Posner Eric and R. Sunstein, Cass, "Dollars and Death", Uni. Chicago L. J., (2004)
14. Baldus, David; C. Macqueen, John and Woodworth, George "Improving Judicial Oversight of Jury Damages Assessments: A Proposal for the Comparative Additur/Remittur Review of Award for Nonpecuniary Harms and Punitive Damages", 80 Iowa L. Rev.
15. B. Dobbs, Dan, "Law of Remedies; damages, equity, restitution", 2d Ed. West Pub. Co. (1993) St. Paul, Minnesota, USA. (ISBN-10: 0314009132)
16. Birmingham, Vera, "Tort in Nutshells, Sweet & Maxwell Pub. 7 ed. London, (2005), ISBN: 0421891904
17. Black's Law Dictionary, Ninth Edition, West Publication, (2009)
18. Brajer Victor and Rahmatian Morteza, "From Diye to Value of Statistical Life: A Case Study for the Islamic Republic of Iran, California State University, Fullerton, Electronic Copy also Available From: http://iwlearn.net/publications/misc/caspi-anev_brajer.pdf)
19. Breyer, Stephen, "Administrative Law and Regulatory Policy" 5th ed. Aspen Publishers Inc. ,U.S.; (2002)
20. Broder, Ivy "Characteristics of Million Dollar Awards: Jury Verdicts and Final Disbursements" 11 Justice System Journal, (1986)
21. B. Stewart, Richard, "Liability for Natural Resources Injury: Beyond Tort, in Analyzing Superfund: Economies, Science, and Law": Resources for the Future Pub. ISBN: 0915707756, (Washington, DC 1995)
22. C. Holden, Karen and J. Smock, Pamela, "the Economic Cost of Marital Dissolution: Why Do Women Bear a Disproportionate Cost?", 17 Ann. Rev. Soc. 51 (1991), Electronic Copy also Available From: <http://www.jstor.org/pss/2083335>
23. Cohen, Lloyd, "Toward an Economic Theory of the Measurement of Damage in a Wrongful Death Action", 34 Emory L.J. (1985) Electronic Copy also Available

- From: <http://heinonline.org/HOL/LandingPage?collection=journals&handle=hein.journals/emlj34&div=18&id=&page=>
24. Collin, *Advanced learner's English Dictionary*, New Digital Edition, HarperCollins Publishers (2004).
 25. E. Clark, Andrew and J. Oswald, Andrew, "A Simple Statistical Method For Measuring How Life Events Affect Happiness", 31 *Intern'l J. of Epidemiology* at p. (2002), Electronic Copy also Available From Oxford International Journal of Epidemiology: <http://ije.oxfordjournals.org/content/31/6/1139.full>
 26. Encyclopedia Britannica Online, Available from : <http://www.britannica.com/EB-checked/topic/496265/regulatory-agency>
 27. Encyclopedia Wikipedia Online, Available from: <http://en.wikipedia.org/wiki>
 28. EPA, "Guidelines for preparing Economic Analyses" at p. 98 (2000) Electronic Copy is also Available From: yosemite.epa.gov/ee/epa/eed.nsf/pages/Guidelines.html/Guidelines.pdf
 29. Federal. Regulations. at 7012 (2001)
 30. Gilovich Dale Griffin, Thomas and Kahneman, Daniel, "the Psychology of Intuitive Judgment", New York : Cambridge University Press, 2007 ISBN-10: 0521796792
 31. Hammitt, James and Liu, Jin-tau, "Effects of Disease Type and Latency on the Value of Mortality Risk" 28 *J. Risk & Uncertainty* at p. 73 (2004) Electronic Copy also Available From Department of Economics National Taiwan University at: <http://ntur.lib.ntu.edu.tw/bitstream/246246/29549/1/902415H002030SSS.pdf>
 32. Harlow, Carol, "Understanding Tort Law" Sweet & Maxwell Pub. 3 ed. London, (2005), ISBN: 0421878401)
 33. H. Cohen Thomas and K. Smith, Steven, "Civil Trial Causes and Verdicts in Large Counties" 2001 Bureau of Justice Statistics Bulletin, April 2004, NCJ 202803, , Electronic Data are also Available from the Bureau of Justice Statistics Website at: <http://bjs.ojp.usdoj.gov/content/pub/pdf/ctcvlc01.pdf>
 34. I. Koerner, Brendan, "What's Your Happiness Worth?" *Legal Affairs*, January/February 2004. Electronic Copy also Available From *Legal Affairs*, The Magazine at the Intersection of Law and Life at: http://www.legalaffairs.org/issues/January-February-2004/review_koerner_janfeb04.msp
 35. Jones Merritt, Deborah and Ann Barry, Kathryn, "Is the Tort System in Crisis? New Empirical Evidence", 60 *Ohio St. L. J.* (1999)
 36. J. Oswald, Andrew and Blanchflower, David, "Well-Being Over Time in Britain and USA," 88 *J. pub. Econ.* (2004) Electronic Copy Also Available From Scientific Literature Digital Library at: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.24.4784&rep=rep1&type=pdf>.)
 37. M. Landes, William and A. Posner, Richard, *The Economic Structure of Tort Law*, Harvard University Press; First Edition (1987), ISBN-10: 0674230515
 38. *New York Times* (News Paper); "As U.S. Agencies Put More Value on a Life, Businesses Fret", 17 Feb. 2011, also available from *New York Times* website at: http://www.NYtimes.com/2011/02/17/business/economy/17regulation.html?_r=2
 39. Polinsky, A. Mitchell, "Are Punitive Damages Really Insignificant, Predictable, and Rational? A Comment on Eisenberg et al.," 26 *J. Legal Stud.* at pp. 663, 668 (1997),

- Electronic Copy also Available From Social Science Research Network Electronic Paper Collection at : http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=10439
40. R. Jenkins, Robin; Owens, Nicole, and Bembek Wiggins, Lanelle, "Valuing Reduced Risks to Children: the Case of Bicycle Safety Helmets" 19 *Contemp. Econ. Policy* (2001) Electronic Copy Also Available from Wiley Online Library : <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1093/cep/19.4.397/full>
 41. R. Miller, Ted, "Willingness to Pay Comes of Age: Will the System Survive?" 83 *Northwestern U.L. Rev.*
 42. S. Becker , Gray, "A Treatise on the Family" Harvard University Press, ISBN: 0-674-90696-9 (1991)
 43. Schakade, David et. Al. "Deliberating About Dollars: the Severity Shift" 100 *Colum. L. Rev.* (2000)
 44. Sunstein Cass R. "Lives, Life-Years, and Willingness to Pay", 104 *Columbia L. Review* (2004) Electronic Copy Also Available From University of Chicago Law School: http://www.law.uchicago.edu/files/files/191.crs_lifeyears-new.pdf
 45. Viscusi, W. Kip and aldy, Joseph , "the Value of Statistical Life, a Critical Review of Market Estimates Throughout the world, 27 *J. Risk and Uncertainty*,(2003) at p. 5, Also Electronic copy Available From Social Science Research Network Electronic Paper Collection at: papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=362840 and The Harvard John M. Olin Discussion Paper Series at:http://www.law.harvard.edu/programs/olin_center/
 46. Viscusi, W. Kip, "the Value of Life: Estimates with Risks by Occupation and Industry", 42 *Ec. Inquiry* (2004) Electronic Copy also Available From The Harvard John M. Olin Discussion Paper Series at:http://www.law.harvard.edu/programs/olin_center/papers/pdf/422.pdf
 47. Webster Law Dictionary, Wiley Publishing ,Inc. (2006)
 48. W. Leebron, David, "Final Moments: Damages for Pain and Suffering Prior to Death" 64 *NY. U. L. Rev.* (1989)
 49. W. Parker, Richard "Grading the Government" 70 *University of Chicago L. Rev.* at pp. 1445,1485-86 (2003), Electronic Copy is Also Available From Social Science Research Network Electronic Paper Collection at : http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=386241
 50. Zechhauser, Richard and Shepherd,Donald, "Where Now for Saving Lives", 40 *Law & Contemporary Problems Journal* (1976)
۵۱. دعوی مک گوان علیه رایت، به نقل از پایگاه اینترنتی دادگستری ایالت می سی سی پی آمریکا ، به *McGowan v. Wright*, 524 So. 2d 308 (Miss. 1988) Available From: آدرس اینترنتی the State of Mississippi Judiciary at: <http://www.msdc.state.ms.us/images/Opinions/Conv12089.pdf>
۵۲. پایگاه اینترنتی دانشگاه میشیگان: http://webapp.icpsr.umich.edu/cocoon/NACJD_Study/03957.xml
۵۳. پایگاه اینترنتی وزارت دادگستری آمریکا :
54. http://www.justice.gov/archive/victimcompensation/payments_deceased.html